



شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران
مدرسه علمیه ریحانه اصفهان

مقاله علمی – پژوهشی

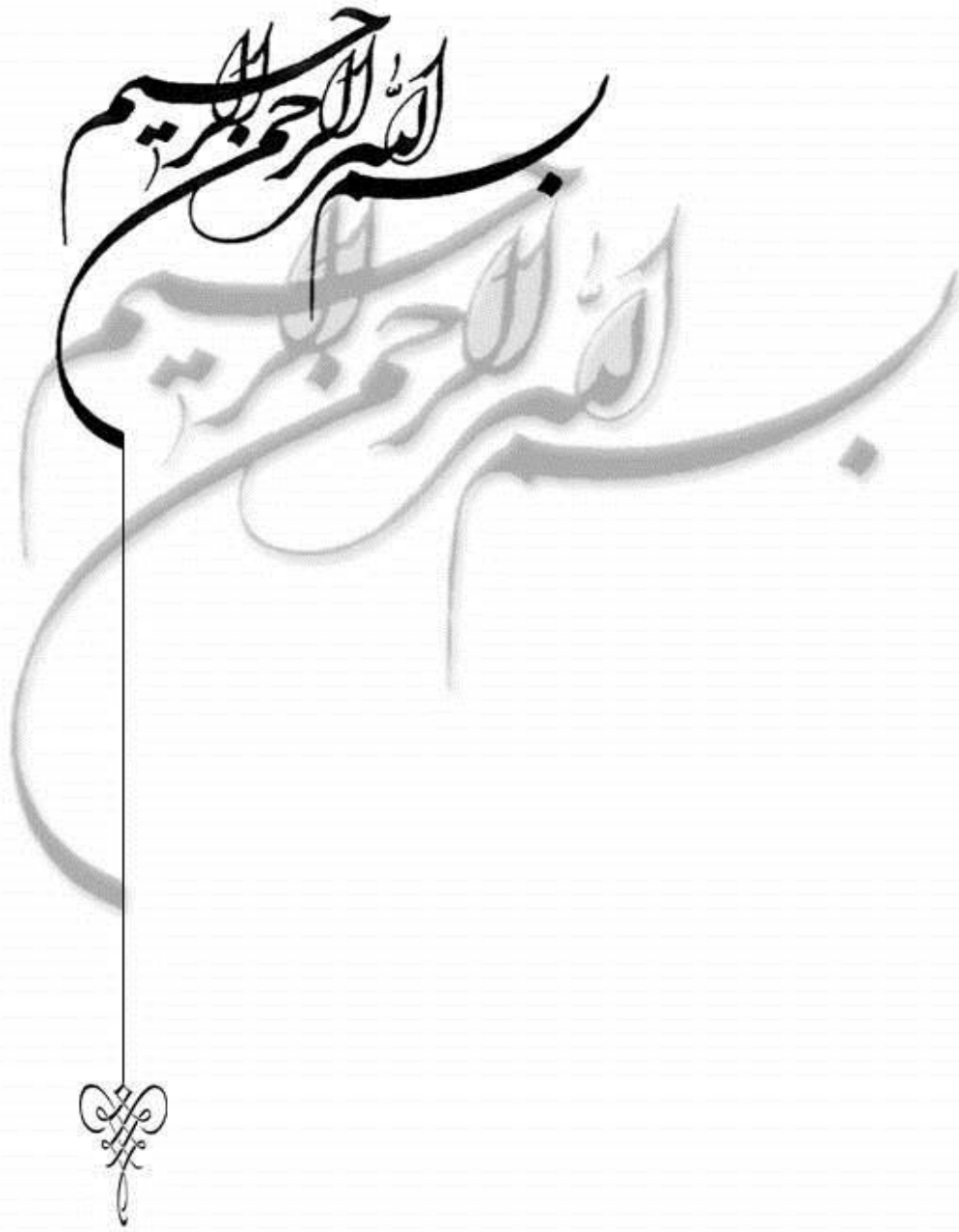
عنوان:

نقش سیاسی بنی صدر در ایران

پژوهشگر:

مرضیه قاسمی

تابستان ۹۶



چکیده

این تحقیق در نظر دارد « نقش بنی صدر در تاریخ سیاسی- فرهنگی ایران» را با تکیه بر منابع مکتوب و پژوهش های نوین، به روش تاریخی مطالعه کند. ابوالحسن بنی صدر متولد سال ۱۳۱۲ در همدان و فرزند ایت الله سید نصرالله بنی صدر نوه صدر العلمای همدانی بود. وی تا قبل از پیروزی انقلاب، برای مردم کشور چهره ای نا شناخته بود، اما تلاش ها و فعالیت هایی که به هنگام عضویت در جبهه ملی در اروپا از خود نشان می داد، نام او را بر سر زبانها انداخت. روز ورود امام خمینی(ره) به کشوریکی از افرادی بود که همزمان با امام خمینی(ره) به تهران آمد. بنی صدر پس از انتخاب شدن به عنوان رییس جمهور مسیر اختلاف با دیگران را در پیش گرفت و تلاش داشت که فقط مجری نقطه نظرات و ایده های خود باشد. بازخوانی اتفاقات سیاسی در بزنگاه های تاریخ پس از گذر سالها این فرصت را می دهد که با نگاهی بی طرفانه و دور از هیجان گذشته را مرور کنیم و از آن چراغی برای آینده بسازیم، آینده ای کم اشتباه تر و ایده آل تر، از این روی ضرورت بررسی این پژوهش روشن می شود. بنابراین این سوال مطرح می شود که نقش بنی صدر در تاریخ سیاسی- فرهنگی ایران چیست؟ هدف از این پژوهش پاسخ به این سوال است. در مجموع عملکرد بنی صدر در دوران ریاست جمهوری، نشان می دهد وی یک جریان انحرافی در دوران نظام جمهوری اسلامی بود که با انقلاب اسلامی و نیروهای وفادار به آن به لحاظ تفکر و عمل همسوئی نداشت. در پی اقدامات وی که موجب ایجاد تنش و اختلاف در نظام جمهوری اسلامی شد، امام پس از بی نتیجه دیدن نصایح و راهنمایی هایی خود، بنی صدر را از ریاست جمهوری عزل کرد و اولین رئیس جمهور ایران پس از یک دوره بحران آفرینی به خارج از کشور فراری شد.

واژگان کلیدی: ابوالحسن بنی صدر، سیاسی، فرهنگی، ایران.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
۱- زندگینامه ابوالحسن بنی صدر.....	۳
۲- فعالیت های سیاسی بنی صدر.....	۱۱
الف: فعالیت های سیاسی بنی صدر در دوران قبل از انقلاب اسلامی.....	۱۱
۱- حمایت از نهضت ملی شدن صنعت نفت.....	۱۱
۲- تلاش برای عدم تصویب قانون اصلاحات ارضی.....	۱۵
۳- فعالیت سیاسی در جبهه ی ملی دوم.....	۱۶
۴- فعالیت در تشکل های دانشجویی.....	۲۱
۵- فعالیت در کمیته ی ساتر.....	۲۵
۶- فعالیت در جبهه ی ملی سوم و انتشارات مصدق و مدرس.....	۲۶
۷- سفرهای نجف و دیدار با امام خمینی (ره).....	۲۷
۸- تبلیغات برای تحصن کلیسای «سن هری».....	۲۹
۹- روابط بنی صدر با امام در پاریس.....	۳۰
ب: اقدامات سیاسی بنی صدر پس از پیروزی انقلاب اسلامی.....	۳۲
۱- دولت موقت و بنی صدر.....	۳۲
۲- مجلس خیرگان قانون اساسی و بنی صدر.....	۳۴
ج- اقدامات سیاسی در دوران ریاست جمهوری.....	۳۸
۱- بنی صدر و مسئله ی انتخاب نخست وزیر.....	۴۱

۲- واقعه ی طبس و کودتای نوژه..... ۴۵

۳- سرقت اسناد وزارت خارجه..... ۴۹

۴- گروگان گیری اعضای سفارت آمریکا..... ۵۰

۵- بنی صدر و جنگ تحمیلی..... ۵۵

۶- عملیات های بنی صدر..... ۶۲

۷- پیامدهای عزل بنی صدر..... ۶۶

نتیجه گیری ۶۹

پیشنهادات ۷۱

فهرست منابع ۷۲

مقدمه

در روز ۵ بهمن ۱۳۵۸ اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و مردم برای انتخاب رئیس قوه مجریه پای صندوق های رأی رفتند و بنی صدر با ۱۱ میلیون رأی به ریاست جمهوری رسید. به دنبال انتخاب بنی صدر از سوی مردم به عنوان نخستین رئیس جمهور، امام خمینی (ره) برای این که بهانه ای از سوی بنی صدر برای کم کاری و یا این که کسی با او همکاری نمی کند نداشته باشد، او را به فرماندهی کل نیروهای مسلح منصوب می کنند.

بنی صدر در طول ریاست جمهوری و فرماندهی خود، مرتکب تخلفات بسیاری گردد. بررسی اقدامات ایشان که به عنوان آفتی در راه تحکیم انقلاب اسلامی بود هدف اصلی این پژوهش می باشد.

نوشته های محققانی چون؛ مسعود، رضوی، فاطمه نظری کهره، محمد علی سفری، فاطمه، حیدریان و ... بصورت جست و گریخته را می توان گوشه ای از تحقیقات درباره نقش بنی صدر در تاریخ سیاسی - فرهنگی ایران دانست.

این پژوهش دارای یک مقدمه و دو بخش است. بخش اول که در فصل اول مباحث کلیات مطرح می شود و در فصل دوم واژه های اصلی و مهم تحریر شده بخش دوم دارای دو فصل است که به ترتیب فصول، نقش سیاسی و فرهنگی بنی صدر در ایران نوشته شده است.

در این پژوهش، گردآوری اطلاعات و داده های تاریخی بر اساس روش کتابخانه ای و مبتنی بر منابع و اسناد اصیل و معتبر، که برخی از آنها در بررسی منابع آمده اند، انجام شده.

اثر حاضر در پی پاسخگویی به سوالات ذیل است:

۱- نقش سیاسی بنی صدر در ایران چه بود؟

۲- نقش فرهنگی بنی صدر در ایران چه بود؟

۱- زندگینامه ابوالحسن بنی صدر

سید ابوالحسن بنی صدر دوم فروردین ۱۳۱۲ش در روستای باغچه، واقع در ۱۶ کیلومتری همدان به دنیا آمد. نام سید ابوالحسن هم به احترام مرجع عالیقدر مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی که استاد پدرش بود، بر وی نهاده شده بود.

پدرش آیت الله نصرالله بنی صدر فرزند صدر العلماء همدانی از روحانیون همدان بود که در روستای عبدالؤمن در بخش مهران از توابع همدان به دنیا آمده و نزد آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت الله ضیاء الدین عراقی و آقا میرزا حسین نائینی شاگردی کرده بود.^۱

مادر بنی صدر هم در همان بخش مهران، در ده دیگری به اسم «قرتقورت دره» به دنیا آمده بود، پدر بنی صدر پس از ازدواج جهت ادامه ی تحصیل طلبگی مدت ده سال در نجف اقامت کرد و سپس به ایران بازگشت.

خانواده ی بنی صدر ابتدا در همدان ساکن بودند اما جریانی باعث مهاجرت آنها به روستایی در اطراف همدان شد. سال تولد ابوالحسن بنی صدر هم زمان با قرار داد تاریخی ۱۹۳۳م^۲ بود. در این زمان اسدالملک رئیس شهربانی همدان که با آیت الله نصرالله بنی صدر

^۱ - فاطمه حیدریان، بن بست غرور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۱.

^۲ - در سال ۱۳۱۲ ش، قراردادی بین دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس بود که در دوره رضاشاه پس از الغای قرارداد داری و خوانین بختیاری منعقد شد.

نسبت دوری هم داشت، نزد او آمد تا از وی تلگراف تبریک به مناسبت عقد آن قرار داد را بگیرد. آیت الله نصرالله بنی صدر به رئیس شهربانی گفت که اگر من از شهر خارج بشوم، شما می توانید بگویید در شهر نبود؟ رئیس شهربانی می گوید اگر امروز عصر از شهر خارج شوید، می توانم چنین کاری را انجام دهم. بدین ترتیب خانواده ی بنی صدر از شهر همدان به روستایی در اطراف همدان به نام باغچه رفتند^۱.

ابوالحسن بنی صدر فرزند ششم خانواده بود، قبل از او پنج فرزند به دنیا آمده بودند که تنها فتح الله و مهدی زنده مانده بودند و سه فرزند دیگر مرحوم شده بودند. بعد از او هم چند فرزند دیگر به دنیا آمدند: محمد صادق، بهجت، اختر و اقدس^۲.

بنی صدر اگر چه در خانواده ای روحانی به دنیا آمده بود، اما ظاهراً جو خانواده ضد آخوندی بوده و پدرش نیز از روی رغبت و خواست خود روحانی نشده بود. بنی صدر در این باره اذعان می کند:

«البته پدرم نمی گفت که با میل عمامه گذاشته یا نه؟ ولی عموی بزرگم می گفت و تعریف می کرد که پدر بزرگم گفته بود، یکی از افراد خانواده باید روحانی بشود، لذا پدرم را برای این کار نامزد کرده بود. عمویم تعریف می کرد که روزی در راهی داشتیم می رفتیم و مرتب به او گفتم: آقا! این عمامه را بگذار سرت و او نمی گذاشت، تا اینکه عمامه افتاد. من نیز عمامه را که افتاده بود، از زمین برداشتم و گذاشتم سرش او این اتفاق را

(ر.ک: جلال، متینی، نگاهی به کارنامه سیاسی دکتر محمد مصدق، چاپ اول، لس آنجلس، کتاب،

۱۳۸۴ش، ص ۱۵۵).

۱ - مجید، احمدی، درس تجربه (خاطرات ابوالحسن بنی صدر)، برلین، انتشارات انقلاب اسلامی،

۱۳۸۰ش، صص ۴۰-۴۳.

۲ - همان، ص ۴۵

حسن اتفاق تلقی کرد و عمامه را بر سر نگاه می دارد... اصلاً محیط خانه ما، محیط ضد آخوندی تمام عیاری داشت... با اینکه پدرم خودش روحانی بود ولی دائماً می گفت: «امان از آخوند بی دین»^۱

هیچ یک از خانواده بنی صدر سراغ تحصیلات حوزوی نرفتند. خواهر کوچک بنی صدر در پاریس دکترای شیمی گرفت و در دوران رژیم شاه در نیروگاه اتمی کار می کرد. برادر کوچک وی صادق، پزشک شد و برادر بزرگش، فتح الله حقوق خواند و قاضی شد، برادر دیگرش مهدی تا دیپلم متوسطه درس خواند و علی رغم فشار پدر تحصیلاتش را ادامه نداد.^۲

دوران کودکی و نوجوانی: دوران کودکی بنی صدر در همدان سپری شد. در

این زمان دوره ی اوج گیری قدرت و استبداد رضا شاه است. دوره ی رضا شاه، دوره ی خانه نشینی روحانیون بود. بنی صدر به دلیل اینکه پدرش امام جماعت مسجد جامع شهر بود، از کودکی با قشرهای مختلف جامعه آشنا شد.^۳

آیت الله صابری همدانی در مورد شخصیت علمی و سیاسی و اجتماعی آیت الله بنی صدر می گوید:

«موقعی که وارد حوزه ی علمیه ی همدان شدم مرحوم بنی صدر از شخصیت های علمی و شناخته شده ی شهر همدان به شمار می آمد،... ایشان از نظر علمی چهره ی شاخص در شهر همدان محسوب می شد و کرسی درس داشت و سطوح عالی مثل مکاسب و کفایه و بعضاً فقه و اصول را برای جمعی از طلاب تدریس می کرد... مرحوم

^۱ - مجید، احمدی، همان کتاب، ص ۴۵.

^۲ - همان، ص ۲۰

^۳ - همان، صص ۴۳-۴۴.

بنی صدر به عنوان شخصیتی که خادم علما و روحانیت است نیز شهرت داشت چون مدرسه ی علمیه ی زنگنه را که در زمان رضا شاه پهلوی غصب شده بود با تلاش های فراوان خود به طلاب و حوزه ی علمیه ی همدان برگرداند... همچنین ایشان اختلافات و تنش هایی که بین روحانیت و دربار پیش می آمد را به نحو مسالمت آمیزی حل و فصل می کرد.^۱

بنی صدر به علت بیماری که در سال ۱۳۲۵ به آن دچار شده و مفصل دست چپش چرک کرده بود، به تهران آمد و دوران نوجوانی او در تهران سپری شد.^۲

در این دوره فعالیت های حزب توده^۳، که سال های اول تأسیس آن بود و چند وزیر نیز در کابینه ی قوام السلطنه داشت، گسترده شده بود و به سطح مدارس نیز نفوذ کرده بود. بنی صدر از طریق یکی از همکاسی هایش به نام آرزمی با عقاید توده ای ها آشنا شد. وی از کلاس هشتم مرتب روزنامه می خواند که این کار یکی از کارهای روزانه اش محسوب می شد. گاه پدرش نیز غر می زد که این روزنامه خواندن بالاخره تو را از درس خواند می

^۱ - خاطرات آیت الله صابری همدانی، تدوین سید مصطفی صادقی، تهران، مرکز انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، صص ۳۰-۳۱

^۲ - همان، ص ۲۱.

^۳ - این حزب به عنوان وارث سوسیال دموکراسی عهد مشروطه و حزب کمونیست ایران در ۱۰ مهر سال ۱۳۲۰ در تهران تأسیس شد. بنیان گذاران آن از روشنفکران و فعالان چپ گرا و ملی گرای بودند که اغلب در دوره رضا شاه تحت تعقیب یا در زندان بودند. این حزب در دهه ۱۳۲۰ به یکی از بازیگران اصلی سپهر سیاسی ایران تبدیل شده بود، پس از کودتای ۲۸ مرداد و افشای سازمان افسری، حزب با سرکوب گسترده ای از سوی حکومت روبرو شد و صدها افسر ارتش ایران به دلیل عضویت در این حزب به اعدام، زندان و تبعید محکوم شدند.

(ر.ک: مازیار، بهروز، در شورشیان آرمانخوا، ترجمه: مهدی پرتوی. چاپ اول، تهران، ققنوس،

۱۳۸۰ش، ص ۳۱۱).

اندازد. او نگران این بود که این روزنامه خواندن ها بنی صدر را سیاسی بکند و از مسیر روحانی شدن بیندازد.^۱

تحصیلات: بنی صدر تحصیلات ابتدایی خود را از همدان آغاز کرد. کلاس اول

ابتدایی را در مدرسه ی «نصرت» که آقای نصرتی مدیرش بود، تحصیل کرد و معلمی داشت که معروف به «لامیزی» بود، چون یک دستش چلاق بود، بچه ها این اسم را بر او گذاشته بودند. این معلم هر روز نصف دانش آموزان را چه نمره ی بیست می گرفتند و چه صفر کتک می زد. کلاس دوم دبستان برای اینکه به مدرسه نرود، تریاک خورد تا به بهانه ی ناخوشی به مدرسه نرود. بالاخره حاضر نشد به آن مدرسه برود تا اینکه مدرسه اش را عوض کردند و به مدرسه ای رفت که آنجا شهریه می گرفتند و دو سال در آن مدرسه درس خواند. در سال ۱۳۲۵ بیمار شد و پس از بهبودی به تهران آمد و در کلاس ششم در دبستان «دری» موفق شد به عنوان شاگرد اول فارغ التحصیل شود. کلاس هفتم را در دبیرستان پهلوی همدان و کلاس هشتم و نهم را در دبیرستان زنگنه ی همدان گذراند. سپس برای معالجه به تهران آمد و کلاس دهم و نیمی از کلاس یازدهم را هم در دبیرستان علمیه ی تهران گذراند و پس از معالجه توسط دکتر شهردار، تحصیلات متوسطه را در دبیرستان علمیه ی تهران به پایان رساند. در سال ۱۳۳۴ پس از پایان تحصیلات دبیرستان، به علت ضعف در زبان انگلیسی، در این درس نمره ی صفر گرفت و مجبور شد به دانشکده ی الهیات که در آن زمان به دانشکده معقول و منقول معروف بود، برود و در آنجا تحصیل

^۱ - همان، صص ۴۸-۴۹.

کند.^۱

پس از فاغ التحصیلی از دانشکده معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی کنونی) در رشته ی علوم معقول و منقول بنی صدر به دانشکده ی حقوق رفت و این بار زبان خارجه را، فرانسه امتحان داد و موفق شد در رشته ی اقتصاد دانشگاه تهران به تحصیل بپردازد.^۲

در سال ۱۳۳۸ ش از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد، پس از آن با کمک امیر عباس هویدا، در آذر ماه ۱۳۴۲ ش به منظور تکمیل تحصیلات دانشگاهی خود به فرانسه عزیمت نمود و هفده سال در پاریس اقامت کرد و در رشته ی جامعه شناسی اقتصاد موفق به اخذ درجه ی دکتری از دانشگاه سوربن پاریس شد.

تألیفات و آثار بنی صدر

بنی صدر در طول اقامتش در فرانسه دارای زندگی خصوصی بسته ای بود و کمتر از منزل خارج می شد، مگر به منظور شرکت در سمینارها یا سخنرانی ها. هفته ای یک بار نیز در کلاس درس شرکت می کرد و بقیه ی وقت خود را به تحقیق مشغول بود و اغلب مستقل از سایرین عمل می کرد. حاصل این دوره تألیف کتب و مقالات متعددی بود. او تحقیق در مورد کتاب اقتصاد توحیدی را از پاریس آغاز کرد و دو تن از دوستان وی نیز به نام های احمد علاقه مند و غضنفر پور در این مورد با وی همکاری داشتند.^۳

از جمله آثار بنی صدر در دوره ی اقامت در پاریس می توان به کتب:

^۱ - همان، ص ۵۵.

^۲ - همان، ص ۵۷.

^۳ - فاطمه، حیدریان، همان کتاب، ص ۱۴.

زور علمیه عقیده- مقاله ای تحت عنوان «گفتاری در روش» به مناسبت فوت دکتر شریعتی- موقعیت ایران و نقش مدرس^۱- نفت و سلطه یا نقش نفت در توسعه ی سرمایه داری در پهنه ی جهان و زمان- منافقان از دیدگاه ما- اقتصاد توحیدی- روش شناخت بر پایه ی توحید-

از دیگر آثار وی: کیش شخصیت، تضاد و توحید، خانواده در اسلام، روش تحقیق، بعثت دایمی و بعثت فرنگی، تعمیم امامت و مبارزه با سانسورنفت و قهر به اتفاق قطب زاده و پل وئسی، زن در شاهنامه و^۲

برخی از تألیفات بنی صدر مربوط به دوران عزل از ریاست جمهوری و پس از فرار به خارج از کشور است که عبارتند از: درس تجربه، خاطرات ابوالحسن بنی صدر.^۳

ازدواج ابوالحسن بنی صدر: بنی صدر در هفتم شهریور ۱۳۴۰ با عذرا حسینی ازدواج کرد.

در همسایگی آنها در همدان خانواده ی همسرش در آنجا اقامت داشتند و خود بنی صدر نیز با برادرانش به مدرسه می رفت. با تعاریف خواهرش (بنی صدر) قرار شد در یک سفری به همدان رفته و آن دختر را ببیند. آن موقع پدر وی (دختر) هم مرحوم شده بود. به ترتیبی که رسم ایران بود خواستگاری شد و ترتیب ازدواج و عروسی داده شد. ثمره ی این

^۱ - فاطمه، نظری کهره، از ظهور تا سقوط بنی صدر، تهران مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز استاد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱ش، ص ۹۶.

^۲ - همان، صص ۹۹-۹۸.

^۳ - محمدرضا، حاتمی، مجله ی گزارش تاریخ فصلنامه ی پژوهش های سیاسی «ابوالحسین بنی صدر به روایت اسناد ساواک»، تهران، ۱۳۹۱ش، شماره ی ۱۲۹، ص ۹۰.

ازدواج دو دختر به نام های فیروزه و زهرا و یک پسر به نام علی بود.^۱

سقوط بنی صدر از قدرت: مدتی بعد از استعفای دولت موقت مهدی بازرگان، بنی

صدر با حمایت جامعه روحانیت مبارز برای انتخابات ریاست جمهوری کاندید شد و در پنجم بهمن ماه ۱۳۵۸ با به دست آوردن حدود یازده میلیون رای به عنوان اولین رئیس جمهور تاریخ ایران انتخاب گشت.^۲

بنی صدر پس از احراز پست ریاست جمهوری، اهدافی چون دوباره سازی مراکز قدرت، از دور خارج کردن تدریجی سپاه پاسداران، دادگاه های انقلاب و کمیته ها و ادغام آنها در سایر سازمانهای دولتی، کاستن نفوذ روحانیون و همچنین ایجاد طرحی برای توسعه اقتصادی کشور را در دستور کار خود قرار داد بود.

کارشکنی و مقابله ی بنی صدر در برابر نیروهای انقلابی و آرمان های انقلاب در اواخر سال ۱۳۵۹ به اوج خود رسید. او با هر ترفندی مردم را علیه نظام تحریک می کرد. سرانجام نیروهای انقلابی با آغاز سال ۱۳۶۰ اقدامات جدی تر و قانونی را برای مقابله با بنی صدر در پیش گرفتند. نخست امام خمینی(ره) حکم عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا را در روز ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ صادر کرد. همچنین در روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ عدم کفایت سیاسی بنی صدر در مجلس مطرح و تصویب شد و اول تیر ۱۳۶۰، امام خمینی(ره) حکم عزل بنی صدر از مقام ریاست جمهوری را اعلام کرد.^۳

^۱ - مجید، احمدی، همان کتاب، ص ۴۲.

^۲ - کیومرث، صابری، چگونگی انتخاب اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران و مکاتبات رجائی با بنی صدر، چاپ دوم، تهران، روابط عمومی نخست وزیری. ۱۳۶۰ش، ص ۱۷۰.

^۳ - محمد، محمدی ری شهری، خاطره ها، ج ۱، چاپ دوم، تهران، تألیف انتشارات مرکز اسناد

بنی صدر مدتی در ایران مخفی شد و سرانجام ششم مرداد سال ۱۳۶۰ به اتفاق رجوی و همکاری عده ای از منافقین در لباس پاسداران با هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ با هدایت سرهنگ خلبان معزی به فرانسه فرار کرد.^۱

۲- فعالیت های سیاسی بنی صدر

در این زمینه می توان فعالیت های ابوالحسن بنی صدر را در سه زمینه بررسی کرد که به شرح ذیل می باشد:

الف: فعالیت های سیاسی بنی صدر در دوران قبل از انقلاب اسلامی

از مهمترین اقدامات سیاسی بنی صدر در قبل از انقلاب می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- حمایت از نهضت ملی شدن صنعت نفت

جنبش ملی کردن صنعت نفت ایران، از جمله نهضت های تأثیر گذار در تاریخ معاصر ایران است که به دلیل بروز اختلاف میان سران و دست اندر کاران آن نهضت و توطئه ی استعمار گران شکست خورد، اما برگ زرینی در مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری ملت ایران است. ملت ایران در جریان این نهضت با ماهیت وابسته و

انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ش، ص ۲۱۰.

^۱ - محسن، رضائی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، ج ۲، چاپ دوم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه کتاب جنگ، ۱۳۸۰ش، ص ۱۱۰.

سرکوبگرانه ی رژیم پهلوی بیشتر آشنا شد.^۱

در واقع اندیشه ی ملی شدن صنعت نفت ابتدا از طرف گروهی از نخبگان سیاسی و مطبوعات مطرح شد. در سال ۱۳۲۸ مسئله ی نفت اوج گرفت و در مهر و آبان همان سال به تأسیس جبهه ی ملی ایران انجامید که رهبری آن با دکتر محمد مصدق بود و دکتر مظفر بقایی کرمانی مقتدرترین چهره ی آن به شهادت رفت نام جبهه ی ملی توسط حسین فاطمی پیشنهاد و به تصویب رسید.^۲

ابوالحسن بنی صدر با توجه به حمایت پدر و فعالیت های برادرش فتح الله برای جبهه ی ملی، در حمایت از نهضت ملی اقداماتی انجام داد. بنی صدر در کلاس یازدهم، متنی را امضاء کرد و آن را بین مردم پخش کرد که در آن متن به منظور سعادت مردم ایران و تأمین صلح جهانی درخواست داشتند نفت در سراسر کشور ملی شود.^۳

با اوج گیری مبارزه ی مردم و حمایت های گسترده ی آنان، احزاب متعددی که از دولت مصدق حمایت می کردند، تلاش نمودند تا شعبه ای در همدان تأسیس کنند. بر همین اساس، شعبه حزب زحمتکشانشان همدان در دوم شهریور ۱۳۳۰ توسط طهوری متصدی مغازه ی برق و بلور در بلوار همدان تأسیس گردید. او در مغازه ی خود دفتری برای نام نویسی افراد افتتاح نمود.^۴

^۱ - کورش، زعیم با همکاری علی اردکان، جبهه ملی ایران از پیدایش تا کودتای ۲۸ مرداد، توسیرکان، تهران، نشر ایرانمهر، ۱۳۷۷ش، ص ۶۰.

^۲ - نصر الله، شیفته، زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر محمد مصدق، تهران، نشر کومش، ۱۳۷۶ش، ص ۶۶.

^۳ - مجید، احمدی، همان کتاب، ص ۲۲.

^۴ - سایت آرشیو اسناد سازمان ملی ایران، سند شماره ی ۸/۱۳۶۷-۲۹۰ و ۸/۱۲۲/۱-۲۹۰

ابوالحسن بنی قدر از جمله کسانی بود که به حزب زحمتکشان تمایل داشت. بنی صدر در دوره ی مصدق، بسیار فعال بود و به حزب زحمتکشان که دکتر مظفر بقایی رهبرش بود تمایل داشت برادر بزرگ بنی صدر [فتح الله] به حزب ایران تمایل داشت؛ یعنی عضو آن حزب نبود اما تمایل داشت ولی در بنی صدر یک نوع تمایل به چپ وجود داشت و این سبب می شد که به حزب زحمتکشان راغب باشد.^۱ در این زمان دیدگاه بنی صدر به حزب زحمتکشان و بقایی تغییر کرد. هم زمان با اوج گیری فعالیت های انتخاباتی دوره ی هفدهم مجلس شورای ملی در همدان، آیت الله کاشانی ملی تلگرافی در تاریخ ۱۳۳۰/۱۰/۲۱ به پدر ابوالحسن بنی صدر و حاج شیخ علی شمس حائری در خصوص آزادی و اهمیت انتخابات این دوره ی مجلس تأکید کرد.^۲

در دوران انتخابات مجلس هفدهم بنی صدر به همراه تنی چند از دانشجویان همفکرش به اشاره ی اللهیار صالح و فروهر ستادی به نام «ستاد نظارت بر آزادی انتخابات» تشکیل داده و یکی دو اعلامیه در این جهت انتشار دادند.^۳

از مهم ترین اقدامات ابوالحسن بنی صدر در حمایت از نهضت ملی، حضوره وی در کاروان کفن پوشان همدان می باشد که در جریان قیام سی تیر عازم تهران شده بودند دکتر مصدق در ۲۵ تیر ۱۳۳۱ پس از عدم موافقت شاه با واگذاری وزارت جنگ به وی، از نخست وزیری استعفا داد و نمایندگان سلطنت طلب و طرفدار انگلیس مجلس بلافاصله قوام

<http://www.nlai.ir>

^۱ - مجید، احمدی، همان کتاب، ص ۲۵.

^۲ - نصرت ا...، طاقتی احسن، روزنامه ی مبارز همدان، همدان، ش ۸، ۱۳۳۰/۱۰/۲۲.

^۳ - محمدرضا، حاتمی، همان مجله، شماره ی ۱۳۴، ص ۱۰.

السلطنه را به جانشینی مصدق برگزیدند. مردم تهران با آگاه شدن از این موضوع، روز ۲۶ تیر با تعطیل نمودن بازار و دکان‌ها، در اجتماعی که از تمام طبقه‌های جامعه در آن شرکت داشتند، به تظاهرات علیه دولت قوام و حمایت از دکتر مصدق پرداختند و در تلگرافخانه متحصن شدند و در ادامه ی تظاهرات و اعتراض روز بعد به منزل آیت الله آخوند ملا علی همدانی رفته و همراه ایشان و سایر روحانیون شهر به مسجد کولانج رفتند. به دستور آیت الله آخوند همدانی تلگرافی در حمایت از دکتر مصدق تنظیم شد. که به امضای خودشان و بسیاری از روحانیون تجار و اصناف به قم مخابره شد.^۱

عده ی زیادی از جوانان غیرتمند همدانی نیز که تحت تأثیر سخنرانی‌ها شدند.

نهضت ملی همدان چون محمد ستاری، غلامرضا وزیری، علی پوینده و در رأس آنها سید کاظم حسینی داور قرار گرفته بودند، کفن پوشان آماده ی جانبداری شدند. این عده همراه کفن پوشان کرمانشاه که از همدان می گفتند، عازم تهران شدند. از جمله کسانی که در کاروان کفن پوشان همدان حضور داشتند. می توان به محمد فخار، شیخ نصر الله، محمد جواد صالحی، ابوالحسن بنی صدر ... اشاره کرد. ابوالحسن بنی صدر در این زمان در دبیرستان مشغول تحصیل بود.^۲ بنی صدر در جریان نهضت ملی شدن نفت دوبار بازداشت شد و مدت کوتاهی را در زندان گذراند. بر طبق گزارش ساواک «بنی صدر در تاریخ ۳۹/۱۱/۸ به اتهام فعالیت مضره دستگیر و ۳۹/۱/۳۰ آزاد شد و ۴۰/۱۲/۲ به اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی مملکت دستگیر و قرار عدم خروج از حوزه ی قضایی تهران تبدیل و

^۱ - ابوالفتح، مؤمن، انقلاب اسلامی در همدان، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶ش،

ص ۳۱۷.

^۲ - همان، ص ۳۲۳.

تاکنون سرانجام کارش روشن نشده است.^۱

۲- تلاش برای عدم تصویب قانون اصلاحات ارضی

اصلاحات ارضی نخستین بار در جریان انقلاب مشروطه ۱۲۸۴-۱۲۹۰ ش در سطح عوت مطرح شد. تقسیم اراضی یکی از برنامه‌ی حزب دموکرات بود و امضای مجلس دوم که طرفدار اصلاحات بودند آن را مطرح کردند. اما جناح دموکرات در مجلس حزب اقلیت بود و از این رو امکان تحقق ایده‌های آن برای اصلاحات محدود بود. گذشته از آن، وجود مشکلات سیاسی عاجل تری که حاصل مداخله‌ی انگلیس و روسیه در ایران بود، آنها را از عقیده‌ی طرحی قانونی برای اصلاحات ارضی باز داشت.^۲

در دهه‌ی ۱۳۳۰ برخی اقدامات جزئی برای اصلاحات ارضی صورت گرفت همچنین پیش نویس لایحه‌ی اصلاحات ارضی توسط دولت مطرح شد و در سال ۱۳۳۹ نسخه‌ی اصلاح شده‌ی آن به تصویب مجلس سنا و مجلس شورای ملی رسید^۳ شخصی که مسئولیت تدوین سیاسی مناسب برای اجرای اصلاحات ارضی به او سپرده شده بود، حسن ارسنجانی نام داشت که از سال ۱۳۲۴ به ترویج عقاید خود درباره‌ی تقسیم اراضی پرداخته بود. قانون اصلاحات ارضی که در ۱۹ دی ۱۳۴۱ به تصویب رسید، ایده‌های اصلی

^۱ - احمد، خزایی، آرشیو اسناد مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی «پرونده بنی صدر»، تهران، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۹۱.

^۲ - اریک ج، هوگلاند، زمین و انقلاب در ایران، مترجم: فیروزه مهاجر، تهران، نشر شیرازه، ۱۳۸۱ ش، ص ۷۷.

^۳ - محمد جواد، عمید، کشاورزی، فقر و اصلاحات ارضی در ایران، ترجمه سید رامین نژاد، تهران، نشرنی، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۰۳.

ارسنجانى را تجسم مى بخشيد.^۱

يکى از فعاليت هاى بنى صدر در جريان اصلاحات ارضى، ارسال تلگرافى به آيت الله بروجردى در ۲۵ دى ۱۳۳۸ بود. در اين تلگراف جمعى از مالکان همدان از آيت الله بروجردى درخواست داشتند که براى تصويب نشدن قانون اصلاحات ارضى در مجلس کمک کند. خانواده ي بنى صدر از جمله مالکان بزرگ همدان در اين زمان بودند. در اين تلگراف آمده است که دولت وقت تصميم گرفته است و در اين هفته با عجله ي تمام، قانونى از مجلس سنا و شورا بگذرانند که املاک کليه ي مالکين از کل و خرده ملک، از مرد و زن، صغير و کبير که عده ي آنها خيلى زياد، اسماً خريدارى، ولى در معنى و حقيقت شبيه به مصادره اى بيش نيست، خريدارى اجبارى يا شبيهه مصادره، هم بر خلاف صريح آيات محکمه قرآن کریم قواعد ضروريه ي اسلام مى باشد. قانون اساسى کشور هم تا اين حد، حق قانون گذارى به مجلس نداده است.^۲

۳- فعاليت سياسى در جبهه ي ملّى دوم

پس از کودتای ۲۸ مرداد، گروهى از اعضاى درجه دوم و سوم جبهه ي ملّى و برخى از روحانيون که در دوران نخست وزيرى دکتر مصدق نقش چشمگيرى نداشتند و از نظر اعتقادات مذهبي نسبتاً پاييند تر از اعضاى سابق بودند، تصميم گرفتند دست از مبارزه بر ندارند. آنان در مجموع به مدت هفت سال با رژيم به مبارزه پرداختند و نام نهضت مقاومت ملّى را براى خود برگزیدند. ايت الله سيد رضا موسوى زنجانى و حسين شاه حسينى

^۱ - اريك ج، هوگلاند، همان كتاب، صص ۱۰۱-۱۰۶.

^۲ - آرشیو مرکز اسناد رياست جمهورى، بايگانى نخست وزير، پرونده شماره ي ۴۸۴۷۹.

مؤسسان نهضت مقاومت ملی بودند.^۱

در همان روزهای نخست از نمایندگان مورد اعتماد احزاب و گروههای سیاسی برای تبادل نظر دعوت به همکاری شد که از جمله ی آنها فتح الله بنی صدر برادر ابوالحسن بنی صدر و افرادی چون مهدی بازرگان و ... بودند.^۲

بنی صدر در دوره ی فعالیت نهضت مقاومت ملی از نظر سیاسی چندان فعال نبود ولی در جلسات ادبی که توده ای ها و نهضت مقاومت ملی تشکیل می دادند شرکت می کرد.^۳

با کاهش فعالیت نهضت مقاومت ملی به دلیل زندانی شدن و تبعید رهبران و فعالان این نهضت، زمینه برای ادامه ی این مقاومت ملی از بین رفت، اما مدت کوتاهی پس از آن به دلیل تغییر در شرایط داخلی و بین المللی، مقدمات برای تشکیل جبهه ی ملی دوم فراهم گردید. در این زمان کندی در آمریکا به عنوان رئیس جمهور روی کار آمد. با توجه به این تحولات، عده ای از همکاران سابق دکتر مصدق با جلب موافقت سران نهضت مقاومت ملی در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۳۹ ملی اعلامیه ای تشکیل جبهه ی ملی دوم را اعلام کردند.^۴

ساواک در گزارشی با عنوان «سران و فعالین جبهه ی ملی، حزب ایران و ملت ایران که در دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی دارای پرونده ی مفتوحه می باشند لیستی ارائه

^۱ - محمد علی، سفری، قلم و سیاست، ج ۲، تهران، نشر نامک، ۱۳۸۰ش، ص ۴۶.

^۲ - مهدی، بازرگان، شصت سال خدمت و مقاومت، ج ۱، تهران، مؤسسه ی خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵ش، ص ۳۰۶.

^۳ - فاطمه، حیدریان، بن بست غرور، همان کتاب، ص ۱۲.

^۴ - به کوشش اتحادیه ی انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا، مصدق و نهضت ملی ایران، بی جا، بی نا، ۱۳۵۷ش، ص ۱۵۹.

می دهد که شامل گروه اول ۲۶ نفر و گروه دوم ۱۸ نفر می باشد. گروه اول که ابوالحسن بنی صدر جزء آنها بود ساواک اذعان می دارد این افراد نسبت به جبهه ی ملی دارای تعصب و اعتقاد شدیدی بوده و با ابراز این اعتقادات، فعالیت خویش را تا به دست آوردن فرصت و موقعیت مناسب محدود به حفظ ارتباط و تماس بین خود اعضاء نموده اند، اصلح است پرونده ی آنان کماکان مفتوح باشد.^۱

در دوران نخست وزیری علی امینی (اردیبهشت ۱۳۴۰- تیر ۱۳۴۱) برنامه ها و اهدافی برای کابینه مشخص شد که ایجاد ائتلاف با جبهه ی ملی یکی از این برنامه ها بود. از سوی جبهه ی ملی نیز یک هیئت مدیره به سرپرستی شاپور بختیار مأمور مذاکره با دولت امینی و چانه زنی برای کسب قدرت بود. ابوالحسن بنی صدر نیز در شمار اعضای این هیئت مدیره قرار داشت و از موافقان شرکت جبهه ی ملی در یک دولت ائتلافی بود.^۲

کمیته دانشجویی فعال ترین بخش جبهه ی ملی به ویژه در آغاز دهه ی ۱۳۴۰ به شمار می رفت. بسیاری از مبارزان که بعداً با گرایش های ملی گرایانه و چپ مذهبی به مخالفت با رژیم پرداختند و در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن نیز فعال بودند، در این مقطع عضو کمیته ی دانشجویان جبهه ی ملی بودند. در این سال ها جبهه ی ملی در اغلب دانشگاه های کشور به ویژه دانشگاه تهران هسته ها و شعبه هایی داشت که مجموع آنها کمیته ی دانشجویان جبهه ی ملی را تشکیل می دادند. نقش بارز دانشجویان

^۱ - جبهه ملی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹

ش، صص ۱۹۵-۱۹۸.

^۲ - فاطمه، حیدریان، همان کتاب، ص ۱۲.

در جریان هیتینگ ۱۶ آذر ۱۳۴۰^۱ که به حادثه ی بهمن دانشگاه تهران منجر شد و برپایی کنگره ی جبهه ی ملی در دی ۱۳۴۱ به خوبی مشهود بود. ابوالحسن بنی صدر و گروهی دیگر از دانشجویان از جمله دانشجویان فعال در این زمینه بودند.^۲

جبهه ی ملی دوم برای بزرگداشت روز سی تیر تدارک مفصلی دید اما دولت امینی هشدار داد با شدت با هر نوع تظاهراتی مقابله خواهد کرد. سرانجام با وجود حرکت سرای جبهه ی ملی به طرف ابن بابویه و مزار شهدای سی تیر ۱۳۳۱، دولت دستور داد درهای ورودی قبرستان ابن بابویه بسته شود و سران جبهه ی ملی در بین راه دستگیر شدند.

پس از جلوگیری دولت امینی از برگزاری مراسم ۳۰ تیر، نمایندگان دانشجویان دانشگاه تهران وابسته به جبهه ی ملی با دکتر امینی به عنوان اعتراض، گفتگویی داشتند. نمایندگان دانشجویان در این گفتگو ابوالحسن بنی صدر و جمعی دیگر از دانشجویان بودند که ضمن مذاکره و اعتراض، دکتر امینی را به مناظره با رهبران جبهه ی ملی دعوت کردند که وی نیز پذیرفت.^۳

^۱ - این روز، سه دانشجو مصطفی بزرگنیا و احمد قندچی هوادار حزب توده ایران و مهدی شریعت‌رضوی هوادار جبهه ملی ایران (که هنگام اعتراض به دیدار رسمی ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا و همچنین از سرگیری روابط ایران با بریتانیا، در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۳۲ (حدود چهار ماه پس از کودتای ۲۸ مرداد همان سال) در دانشگاه تهران کشته شدند.

(ر.ک: یرواند، آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی - محمدابراهیم فتاحی،

چاپ سیزدهم، نشر نی، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۰۸).

^۲ - جبهه ی ملی به روایت اسناد، همان کتاب، ص ۸۴.

^۳ - محمد علی، صفری، قلم و سیاست، ج ۲، تهران، نشر نامک، ۱۳۸۰ ش، ص ۴۱۹.

۱۶ آذر ۱۳۴۰ نیز به منظور بزرگداشت. در این روز تدارک وسیعی از سوی کمیته ی دانشجویان دانشگاه تهران وابسته به جبهه ی ملی دیده شد و طی اعلامیه های متعددی از مردم دعوت شد در تظاهراتی که به همین منظور بر پا می شود و در میتینگی^۱ که در این روز در دانشگاه تهران برگزار شد، شرکت کنند. بنی صدر از جمله فعالان کمیته ی دانشگاه در پایان میتینگ از حضار تشکر کرد.

اول بهمن ۱۳۴۰ نیز به علت اخراج بعضی از دانش آموزان دبیرستان دارالفنون و بعضی از دبیرستان های دیگر و تهدید به اخراج عده ای دیگر از دانش آموزان وابسته به جبهه ی ملی تظاهراتی تدارک دیده شد. کمیته ی دانشجویان دانشگاه از آقایان بنی صدر، خارقانی، کردستانی، پارسا... که نمایندگان دانشجویان را تشکیل دادند و در آن جلسه پس از مشورت با خود دانشجویان آقای بنی صدر را به عنوان مسئول انتظامات تعیین کردند.^۲

بنی صدر در همین ارتباط به همراه عده ای از جمله مهندس عبدالحسین خلیلی عضو اجرائیه ی جبهه ی ملی و استاد دانشگاه و چند دانشجو دستگیر شد.^۳

از دیگر فعالیت های بنی صدر در جبهه ی ملی دوم، فعالیت برای تشکیل کنگره ی جبهه ی ملی بود که در چهارم دی ۱۳۴۱ برگزار شد. اعضای اولین کنگره ۱۷۵ نفر بودند که از گروه های مختلف تشکیل یافته بود و از جمله ی آنها ۳۰ نفر از دانشگاه تهران بودند و بنی صدر یکی از افرادی بود که به عنوان نماینده ی دانشگاه تهران در کنگره شرکت می

۱ - گرد آمدن دسته ها از مردم برای ابراز نظری - اجتماع گروه بسیار برای گفتگو یا اظهارنظر در مسائل اجتماعی.

(ر.ک: علی اکبر، دهخدا، همان کتاب، ص ۱۵۵۵).

۲ - همان، ص ۴۴۳.

۳ - همان، ص ۴۶۰.

کرد.^۱

ابوالحسن بنی صدر در پنجمین جلسه ی این کنگره که با حضور ۱۵۰ نفر در منزل حاج حسن قاسمیه در تاریخ ۴/۱۰/۷۷ تشکیل شد، طی نطقی اظهار داشت به عقیده ی وی کسانی لیاقت رهبری جبهه ی ملی را دارند که رنج و زندان کشیده باشند، بنابراین جز دکتر مصدق هیچ کس شایستگی رهبری جبهه ی ملی را ندارد.

دکتر پرویز شمس از فعالان دانشگاه و نماینده ی فرهنگیان در کنگره ی جبهه ی ملی در مطالبی انتقاد آمیز علیه بنی صدر بیان کرد که این برنامه ها از قبل تنظیم شده و نقش هر کدام در کنگره معلوم است و بنی صدر عضو سازمانی بود که نه به آن اعتقاد داشت و نه تابع آن بود.^۲

۴- فعالیت در شکل های دانشجویی

در فاصله ی روزهای ۱۵ و ۱۸ آوریل ۱۹۶۰ (۱۳۳۳) نمایندگان سازمان های دانشجویان ایرانی در فرانسه، آلمان، بریتانیا گرد هم آمده و در نتیجه ادغام سازمان های خود «کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا» را به وجود آوردند.^۳ سومین کنگره ی کنفدراسیون در اواخر سال ۱۳۴۲ در لندن تشکیل شد و ۵۱ نماینده در دی ۱۳۴۲ (۳۱ دسامبر ۱۹۶۴) در کالج سلطنتی لندن گرد هم آمدند. ابوالحسن بنی صدر که در تاریخ ۱۳۴۲/۹/۱ با استفاده از بورس تحصیلی برای ادامه ی تحصیل به فرانسه رفته بود، نمایندگی دانشجویان دانشگاه

^۱ - همان، صص ۵۱۵-۵۱۶.

^۲ - جبهه ی ملی به روایت اسناد ساواک، همان کتاب، ص ۱۳۷.

^۳ - افشین، متین، همان کتاب، ص ۸۴.

تهران را در کنفدراسیون مذکور بر عهده داشت و به ریاست کنگره ی دانشجویان در لندن که ۱۳ دی ۱۳۴۲ (ژانویه ۱۹۶۴) تشکیل شده بود، در آمد.^۱

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و اوج گیری مبارزات به رهبری روحانیون و در رأس آنها امام خمینی(ره) موجب رشد گرایش های اسلام گرانه در میان مبارزان شد. این گرایش اسلامی اندک زمانی بعد به عنوان انجمن اسلامی دانشجویان پا به عرصه ی جنبش دانشجویی نهاد و مسیر مبارزات خود را از کنفدراسیون جدا کرد و در اروپا و آمریکا با یک سازماندهی مستقل از گروه ها به عنوان یک جبهه ی مستقل مخالف رژیم، عرصه ای را برای مبارزه به خود اختصاص داد.^۲

تغییر سیاسی مهم دیگری نیز در سال ۱۹۶۵ (۱۳۴۳) روی داد. در این زمان تسلط جبهه ی ملی بر رهبری کنفدراسیون تغییر کرد و رهبری ترکیبی شامل طیف ناهمگونی از جبهه ی ملی در اکثریت و اقلیتی از سازمان انقلابی حزب بوده شد. در سال ۱۹۶۵ اعضای دبیر خانه ی کنفدراسیون را مشخص کردند که ابوالحسن بنی صدر هم یکی از اعضای آنها بود. با وجود اینکه جبهه ی ملی اکثریت داشت اما انتخاب بنی صدر نشان دهنده ی تقسیم بندی جدیدی در صفوف کنفدراسیون بود. بنی صدر نماینده ی دانشگاه تهران و رئیس افتخاری کنگره ی لندن در سال ۱۹۶۴ بود. او با تشکیلات نهضت آزادی ایران ارتباط داشت و از طریق نوشتن مقالاتی با دیدگاه های جبهه مارکسیستی و به اصطلاح جهان

^۱ - همان ، صص ۱۷۷ ، ۱۷۸.

^۲ - علیرضا، کریمیان، جنبش دانشجویی در ایران از تأسیس دانشگاه تا پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۷۱.

سوی و تقریباً بدون ارجاعات و اصلاحات مذهبی در نامه ی پارسی همکاری داشت.^۱

بر طبق گفته ی بنی صدر فعالان جبهه ی ملی او را بدون اطلاع قبلی و رضایت خودش به عضویت دبیر خانه ی کنفدراسیون دانشجویان انتخاب کردند. جناح چپ جبهه ی ملی سپس بنی صدر را قانع کرد که عدم پذیرش این مسئولیت از جانب وی برای کنفدراسیون مضر خواهد بود. بنی صدر نیز با بی میلی این مسئولیت را پذیرفت. اگر چه بنی صدر رسماً دبیر انتشارات کنفدراسیون بود، اما در حقیقت در آن سال ائتلافی از جناح چپ جبهه ی ملی و سازمان انقلابی حزب توده بود که عملاً اداره ی انتشارات کنفدراسیون را به عهده داشتند. همچنین بنی صدر به دلایل سیاسی از همکاری با دبیرخانه کنفدراسیون خودداری کرد، از جمله ی این دلایل سیاسی حمایت کنفدراسیون از گروه مارکسیستی پرویز نیکخواه بود.^۲

ابوالحسن بنی صدر مدتی بعد بر اثر مخالفت با دسته بندی های سیاسی درون کنفدراسیون جدا شد و در جلسات و کنگره های ان شرکت نکرد. چون کنفدراسیون یک سازمان دانشجویی بود که همه ی سازمان ها و گروه های سیاسی در آن شرکت داشتند. این سازمان وقتی نمی توانست فعالیت سیاسی علنی بکنند، می آوردند درون کنفدراسیون و به اسم کنفدراسیون انجام می دادند، و قاعده بر این که گروه های سیاسی باید به اسم خود انجام دهند. در حالی که بر عکس شده بود و کارهایی که جرأت نداشتند علنی انجام دهند، به اسم کنفدراسیون انجام می دادند. بنی صدر اعتقاد داشت انجام این کار ها در کنفدراسیون منجر می شود که کنفدراسیون مرکز برخوردها و تسلط برا آن بشوند، در حالی که باید بر

^۱ - افشین، متین، همان کتاب، صص ۲۱۵ و ۲۱۶.

^۲ - همان، ص ۲۱۶.

عکس می شد. گروه های سیاسی دعوای خود رادریرون از کنفدراسیون انجام می دادند و کنفدراسیون می شود محل اشتراک آنان.^۱

انحراف کنفدراسیون از اهداف اولیه ی خود و درگیر شدن گروه های موجود در این تشکل جهانی دانشجویی و قوی شدن تمایل مذهبی و گرایش به سمت مبارزات مذهبی، سبب شد دانشجویان مذهبی عضو کنفدراسیون در سال های ۱۳۴۲-۱۳۴۳ از آن تجمع فاصله بگیرند. این افراد که از دانشجویان بر جسته و فعال کنفدراسیون جهانی بودند. با فاصله گرفتن از کنفدراسیون این موقعیت را یافتند که شالوده ی یک حرکت و جنبش منسجم دیگری را بنا نهند که «انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در خارج کشور» نام گرفت. آنان نشریه ای به نام «اسلام، مکتب مبارز» را در اروپا منتشر می کردند.

آشنایی و همکاری ابوالحسن بنی صدر با اتحادیه ی انجمن های اسلامی دانشجویان در خارج از کشور، پس از نشست هفتم یا هشتم اتحادیه اتفاق افتاد. در جلساتی که پس از فوت جلال آل احمد در پاریس برگزار شد او به همراه دیگر سخنرانان جلسات به ایراد سخنرانی پرداخت، آن هم با سخنرانی هایی که سر و صدای زیادی به راه انداخت. انجمن اسلامی شهر از بنی صدر برای طرح مقاله «در جستجوی چاره جویی برای اندیشه و عمل» دعوت کرد. این مقاله در مجله ی اسلام مکتب مبارز شماره ی ۱۴ چاپ شد. بعد از آشنایی به درخواست اعضا، بنی صدر به سمینارهای فرهنگی اتحادیه دعوت شد. ولی هیچ گاه به نشست ها دعوت نگردید. در نتیجه بنی صدر اعتقاد به کار در چارچوب جبهه ی ملی

^۱ - مجید، احمدی، همان کتاب، ص ۴۶.

داشت. حال آنکه اتحادیه معتقد به یک تشکیلات اسلامی بود.^۱

بنی صدر با نشریه ی مکتب مبارز همکاری داشت و مقالات زیادی را با نام مستعار وی که «موسوی» بود به چاپ رساند.

۵- فعالیت در کمیته ی ساتر

بنی صدر در همان اوایلی که به فرانسه رفت به دنبال فعالیت در «کمیته ساتر» بود.^۲ هدف بنی صدر برای ورود به کمیته ی ساتر دفاع از زندانیان و به طور عام به هر فکر و جریان سیاسی در ایران بود. بنی صدر پرونده ای را تهیه کرد و به دختر ساتر داد. همکاری با کمیته ی ساتر از آن زمانی شروع شد که او پرونده را مطالعه و پیشنهاد را قبول کرد بدین ترتیب اعضای کمیته مشخص شدند بنی صدر در مورد شرایط همکاری با ساتر دو شرط برای او گذاشت: یکی اینکه ما به شما قول می دهیم که در دفاع از زندانیان، تبعیض قائل نشویم و دفاع عام باشد و هیچ خبر دروغی در اختیار شما نگذاریم و اگر اطلاعی در اختیار شما گذاشتیم، کاملاً مطمئن باشید که راست است تا امضاء شما بی اعتبار نشود و قابل تکذیب نباشد ولی متقابلاً شرط ما با شما این است که هیچ منبع دیگری را غیر از ما نپذیرید ... ساتر هم هر ۲ شرط را قبول کرد.^۳

^۱ - مجتبی، باقرنژاد، تاریخچه مبارزات اسلامی دانشجویان ایرانی خارج از کشور (۱۳۴۴-۱۳۶۰) ج ۱، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۶ش، صص ۱۹۷-۱۹۸.

^۲ - ژان پل ساتر، نویسنده و فیلسوف معروف فرانسوی و با اعتبار جهانی بود که علاوه بر حضور و نام او در این کمیته، همچنین در کمیته ی صلح علیه جنگ در ویتنام نیز فعالیت می کرد.

(ر.ک: فاطمه، نظری، همان کتاب، ص ۶۴).

^۳ - مجید، احمدی، همان کتاب، ص ۵۵.

۶- فعالیت در جبهه ی ملی سوم و انتشارات مصدق و مدرس

در ابتدای سال ۱۳۴۳ جبهه ی ملی دوم به دلیل اختلافات داخلی، قدرت طلبی حزب ایران که اکثریت شورای مرکزی را در دست داشت، ناکار ماند و به فعالیت خود پایان داد. گروه های مخالف حزب ایران پس از پایان کار جبهه ی ملی دوم دست از کار برداشته و در صدد ایجاد جبهه ی ملی سوم برآمدند. در خرداد ۱۳۴۳ یعنی یک ماه پس از پایان کار جبهه ی ملی دوم اساسنامه ی جبهه ی سوم تدوین شد.^۱

سه هفته پس از پخش اولین اعلامیه ی جبهه ی ملی سوم در تیر ۱۳۴۳، رهبران و فعالان تشکیل دهنده ی این جبهه دستگیر شدند. این امر سبب شد تا جبهه ی سوم در نطفه خفه شود و پس از آن تنها وابستگان جبهه ی ملی در خارج از کشور فعالیت هایی داشتند. به همین علت گروهی خاصه وابستگان حزب ایران، جبهه ی ملی سوم را نادیده گرفتند و آن را در شمار جبهه ی ملی اول و دوم محسوب نمی کنند. در اوایل فروردین ۱۳۵۶ نیز تلاش هایی از جانب جبهه ی ملی و نهضت آزادی برای تشکیل جبهه های واحد صورت گرفت، اما این تلاش ها در ۲۸ آبان ۱۳۵۶ به تشکیل «اتحاد نیروهای جبهه ی ملی» انجامید و در ۳۰ تیر ۱۳۷۵ نام آن به جبهه ی ملی چهارم تغییر یافت.^۲

با تشکیل شاخه های نهضت آزادی در اروپا و آمریکا و انتشار روزنامه ی پیام مجاهد به عنوان ارگان انتشاراتی نهضت آزادی خارج از کشور ابوالحسن بنی صدر، و

^۱ - عبدالرضا، هوشنگ مهدوی، سرنوشت یاران دکتر مصدق، تهران، نشر علمی، ۱۳۸۳ش، ص

^۲ - سعید، صمدی پور، جبهه ی ملی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸ش، صص

جمعی دیگر نیز کمیته ی اروپایی جبهه ی ملی سوم را پایه ریزی کردند و خبر نامه ی جبهه ی ملی سوم ارگان انتشاراتی آن گردید که تا روزهای نزدیک به پیروزی انقلاب توسط بنی صدر نوشته و در تیتراژ ۴۰۰۰ نسخه انتشار یافت.^۱

از دیگر فعالیت های بنی صدر در طول اقامت در فرانسه تأسیس انتشارات مصدق در سال های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ بود که از همکاری حسن حبیبی نیز برخوردار گردید. از اولین آثار آن انتشارات، ترجمه ی کتاب «دوزخیان زمین» نوشته ی فرانتس قانون بود که ترجمه ی آن در سال ۱۳۴۸ منتشر شد.^۲

۷- سفرهای نجف و دیدار با امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) و حاج آقا مصطفی، فرزند ایشان ۱۳ مهر ۱۳۴۴ از ترکیه وارد فرودگاه بغداد شدند و سپس ۱۳/۷/۱۳۴۴ به نجف رفته و در منزلی که دوست قدیمی امام برای ایشان در نظر گرفته بود اقامت گزیدند.^۳

بنی صدر در سال ۱۳۵۱ به نجف مسافرت کرد که در این سفر با امام خمینی (ره) نیز دیدار نمود. در این سال (مطابق ۱۳۹۱ ق) پدر بنی صدر آیت الله نصر الله بنی صدر در سن ۷۵ سالگی در حالی که برای معالجه به فرانسه رفته بود در پاریس در گذشت و بنی

^۱ - خاطرات سیاسی و اجتماعی دکتر صادق طباطبایی، ج ۱، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۷ش، ص ۲۱۲.

^۲ - محمدجواد، مظفر، اولین رئیس جمهور (پنج گفتگو درباره ی اولین انتخابات ریاست جمهوری ایران) تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۸ش، پاورقی ص ۵۱.

^۳ - علی، ملکی، خاطرات حجت الاسلام محتشمی پور، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶ش، صص ۱۹۵-۱۹۱.

صدر جنازه ی پدرش را به نجف اشرف برده و در آنجا به خاک سپرد و برای اولین بار در آنجا با امام خمینی(ره) دیدار نمود. حضرت امام در نجف اشرف سعی داشت تا دیدارهای عمومی برگزار شود، اما در مواردی بنا به ضرورت بعضی از ملاقات ها خصوصی انجام می شد؛ از جمله آن ملاقات بنی صدر با امام بود. سید ابوالحسن بنی صدر چندین بار در نجف با حضرت امام ملاقات کرد. در آن زمان بنی صدر از دو جهت مورد توجه امام بود: اول اینکه امام پدر ایشان را می شناخت و با وی دوست بود و امام در همدان در منزل مرحوم بنی صدر وارد می شد. دوم اینکه خود سید ابوالحسن بنی صدر در آن زمان مدعی اسلام بود و به اصول و مقدسات اسلامی پایبندی نشان می داد و از انقلابیون بود.^۱

اسناد ساواک سفر دیگری از بنی صدر به نجف و دیدار با امام در سال ۱۳۵۵ گزارش می دهند. در این گزارش که به تاریخ ۱۳۵۵/۴/۲۶ می باشد آمده است سید محمد باقر نجفی که در کمیته ی تحقیق سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران در زمینه ی مسائل اسلامی تحقیق می کند، در مورد نوشته ای که چندی پیش در جراید تهران انتشار یافت مبنی بر اینکه بنی صدر یکی از مارکسیست های اسلامی به عراق رفته و با امام خمینی(ره) ملاقات داشته است، می گفت که نوشتن این مطلب که بنی صدر مارکسیست اسلامی است و یک مارکسیست اسلامی با امام خمینی(ره) ملاقات کرده است، در محافل مذهبی ایران چنین تلقی و تعبیر می شود که امام خمینی(ره) مارکسیست های اسلامی را تأیید می کند و آن گروهی که طرفدار امام خمینی(ره) هستند ممکن است نظر خوبی نسبت به مارکسیست های اسلامی پیدا کنند و این از نظر سیاست مملکتی درست نیست. گزارشگر ساواک نیز

^۱ - علی، ملکی، خاطرات حجت الاسلام والمسلمین محمد سهامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب

اسلامی، ۱۳۸۴ش، صص ۱۰۷-۱۰۸.

در تاریخ ۱۳۵۵/۴/۲۸ اظهار نظر کرده است، چنانچه بنی صدر به عنوان یکی از مالکین همدان معرفی می شد خیلی بهتر بود، زیرا وقتی یک نفر آیت الله زاده عضو حزب مارکسیست اسلامی معرفی شود از نظر عوام به ویژه روحانیون، این یک نوع تبلیغ غیر مستقیم برای حزب منسوب خواهد بود که نتیجه آن منفی می باشد.^۱

۸- تبلیغات برای تحصن کلیسای «سن مری»

یکی از فعالیت های سیاسی انجمن اسلامی در فرانسه تحصن روحانیت مبارز در کلیسای «سن مری» پاریس بود. تحصن در کلیسای سن مری پاریس، که از قدیمی ترین کلیساهای اروپا بود به اقدامات رژیم در سرکوب تظاهرات مردم و زندانی شدن چهره های مبارز اعتراض کردند. این تحصن از تاریخ نهم مهر ۱۳۵۶ برابر با ۱۹۷۷/۱۰/۱ ام به مدت یک هفته در کلیسای سن مری پاریس برگزار شد.

بنی صدر که در سال های اولیه ی دهه ی ۱۳۵۰ از فعالیت های سیاسی دور افتاده بود. اما با بروز نشانه هایی از آغاز نهضت اسلامی در ایران، فعالیت های خود را در گروه های اسلام گرا و انقلابی که در فرانسه حضور داشتند، وسیع تر کرد و روابط او با فعالان ایرانی مقیم فرانسه بیشتر و نزدیک تر شد؛ به طوری که در جلسات این گروه ها شرکت می کرد و مطالبی در مورد اصول اسلامی و نقش آنها در زندگی اجتماعی انسان ها و نمود احکام اسلام در جامعه، می نوشت. بنی صدر با شدت گرفتن مبارزات بر ضد رژیم پهلوی

^۱ - موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، سیر مبارزات امام خمینی(ره) در آینه ی اسناد به روایت اسناد ساواک، ج ۱۲، تهران، موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶ش، صص ۵۰۰-

به اتحادیه ی انجمن اسلامی دانشجویان خارج از کشور پیوست. در واقع با نزدیک شدن به یک شکل اسلامی دانشجویی، دور تازه ای در حیات سیاسی وی آغاز شد. به همین جهت بود که نیروهای انقلابی حاضر در آن دوران، مصلحت را چنان دیدند که در فعالیت های اسلامی در اروپا، او را تقویت و همراه خود سازند.^۱

زمانی که حرکت انقلابی مردم ایران شدت گرفت، روابط بنی صدر نیز با انقلابیون و پیروان امام نزدیک تر شد، او در جریان زندانی شدن ایت الله طالقانی و منتظری و شهادت آیت الله سعیدی، برخی از مبارزات از جمله محمد منتظری و ... که آن هنگام در فرانسه حضور داشتند و در کلیسای «سن مری» اعتصاب غذا کرده بودند، نقش فعالی پیدا کرد و به همراه گروهی دیگر جنبه های مثبت این حرکت اعتراضی را برای فرانسویان و فعالان حقوق بشر تشریح کرد.

ابوالحسن بنی صدر تبلیغات زیادی در حمایت از تحصن یک هفته ای انجام داد و با چاپ و ترجمه ی بیانیه ها توانست کمک های زیادی داشته باشد.^۲

۹- روابط بنی صدر با امام در پاریس

ساواک از تلاش دولت عراق در سال ۱۳۴۶ برای اخراج امام خمینی (ره) از عراق گزارشی داد. در این گزارش به تاریخ ۴۶/۱۲/۲۷ آمده است. دولت ایران به دولت عراق پیشنهاد کرده که آیت الله خمینی (ره) را از عراق طرد کند. فرزند آیت الله سید نصر الله بنی صدر در فرانسه مشغول اقداماتی است که از طریق دولت مصر از اخراج آیت الله

^۱ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره ی بازیابی، ۲۳۶۶۰۶۵.

^۲ - سعید، فخر زاده، خاطرات علی جنتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۵۱.

خمینی(ره) از عراق جلوگیری کند.^۱

اگر چه در این زمان دولت عراق امام را از خاک خود اخراج نکرد اما در پس انعقاد توافقنامه ی ۱۹۷۵ ایران و عراق معروف به پابندی الجزایر طرفین پذیرفتند که کلیه ی عوامل منفی را در روابط خود از بین ببرند و همکاری های متقابل را توسعه دهند. بنابراین رژیم شاه از دولت عراق انتظار داشت که فعالیت های امام خمینی(ره) را در عراق محدود و از آن جلوگیری کند. بنابراین امام در ۱۳ مهر ۱۳۷۵ ناچار به ترک عراق و هجرت به پاریس شد.

زمانی که امام قصد عزیمت به پاریس را داشتند، این مسئله سبب اختلاف نظر میان نیروهای انقلابی مقیم پاریس شد. بنی صدر با آمدن امام به پاریس به دلایل ذیل مخالف بود:

نخست اینکه می گفت ایشان یک مرجع تقلید هستند و اگر بیایند در یک کشور غربی در بین مذهبیین ایرانی و منطقه جنبه ی خوبی پیدا نخواهد کرد.

دوم اینکه او نمی خواست امام شاهد اختلافات موجود میان روشنفکران و نیروهای ملی و مذهبی باشد و اصرار داشت که امام برای اقامت پاریس را انتخاب نکند.^۲

امام سرانجام تصمیم گرفتند به پاریس سفر کنند و در زمان اقامت ایشان در فرانسه، ارتباط برخی از انقلابیون و روشنفکران از جمله بنی صدر با امام بیشتر شد.

^۱ - موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، سیر مبارزات امام خمینی در آینه ی اسناد به روایت اسناد ساواک، ج ۱۶، ص ۵۶۸.

^۲ - فتاح، غلامی، «اولین تجربه ی دموکراسی در جمهوری اسلامی، بررسی پدیده ی درس آموز بنی صدر»، سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۷۸/۴/۱ش، WWW.Tabnak.ir

بنی صدر در مدت اقامت در فرانسه از جمله نزدیک ترین افراد به امام بود و بسیاری از افراد برای برقراری ارتباط با امام از بنی صدر استفاده می کردند.^۱

از دیگر فعالیت های وی در این دوره که با امام خمینی مرتبط می باشد، هماهنگ نمودن دکتر کریم سنجابی با نظرات امام است. سنجابی با واسطه ی بنی صدر با امام ملاقاتی کرد و در این زمان در فرانسه مهمان بنی صدر بود. وی در تاریخ ۵۷/۸/۶ به پاریس آمد پس از دیدار اول خود با امام، مجدداً تقاضای ملاقاتی کرد که امام آن را مشروط به اعلام وضع سنجابی درباره ی رژیم شاه کرد. سنجابی توسط بنی صدر قانع شد تا نظر امام را که رفتن شاه و تشکیل حکومت اسلامی است، بپذیرد پس از آنکه سنجابی اعلامیه داد و مصاحبه کرد، امام وی را پذیرفت.^۲

ب: اقدامات سیاسی بنی صدر پس از پیروزی انقلاب اسلامی

از مهمترین اقدامات سیاسی پس از انقلاب می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- دولت موقت و بنی صدر

دولت موقت در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ با صدور فرمان نخست وزیری مهندس مهدی بازرگان توسط امام خمینی(ره) روی کار آمد و بدین ترتیب زمام امور کشور به طور عملی از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به دست مهندس بازرگان افتاد. هیئت دولت موقت به این دلیل موقت

۱ - موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ، سیر مبارزات امام خمینی(ره)، در آینه ی اسناد به روایت ساواک، ج ۱۲، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶ش، ص ۲۲۹.

۲ - علی، ملکی، خاطرات هادی غفاری، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ش،

نامیده شد که چند مأموریت بیشتر نداشت و باید آنها را در مدت کوتاهی انجام می داد.

مأموریت های آن دولت فراهم کردن مقدمات و لوازم قانونی هیئت دولت بود.^۱

دولت موقت تا تاریخ ۱۳۵۸/۸/۱۴ اداره ی کشور را در دست داشت. در این دوره

بنی صدر به عنوان عضو شورای انقلاب که در واقع در مقام قوه ی مقننه بود با دولت

موقت تعامل داشت. شرایط حساس انقلابی، نبودن ارتباط سالم سازمانی و فقدان تفکیک

مناسب قوا، باعث تداخلات و تعارضاتی در عملکرد شورای انقلاب و دولت موقت گردید

و هر کدام دیگری را مانع اجرای دقیق برنامه های خود می دانستند. اختلافات این دو نهاد

قدرتمند انقلابی باعث شد که در بهار ۱۳۵۸ به داوری نزد امام بروند و در همان سال

جلسه ای مشترک را در قم با حضور رهبری برگزار کنند. اگر چه این دیدار مدتی تنش را

میان دو نهاد مذکور کاهش داد اما اختلافات سیاسی-ایدئولوژیکی شورای انقلاب و دولت

موقت روز به روز بیشتر شد. تا اینکه قرار شد برای حفظ وحدت، دولت موقت و شورای

انقلاب و تعدادی نیز از شورا به دولت انتقال داده شوند. شورای انقلاب در ۲ تیر ۱۳۵۸

تشکیل جلسه داد. در این جلسه بین بنی صدر از یک طرف و آیت الله بهشتی و آیت الله

خامنه ای از طرف دیگر جدال لفظی در گرفت. زیرا بنی صدر خواهان ادغام کامل دولت و

شورای انقلاب بود.^۲

بنی صدر در این زمان از جمله کسانی بود که به بازرگان توصیه می کرد از

روحانیون برای کار در دولت موقت استفاده نکند.

^۱ - حسین، کاوشی، حزب جمهوری اسلامی از تاسیس تا فاجعه هفت تیر، ج ۱، تهران، دفاع،

۱۳۸۶ش، ص ۱۱۴

^۲ - مسعود، رضوی، هاشمی و انقلاب، تهران، انتشارات همشهری، ۱۳۷۶ش، ص ۲۴۲.

زمانی که اختلاف شورای انقلاب با دولت موقت اوج گرفت، شورای انقلاب به بنی صدر پیشنهاد نخست وزیری دولت موقت را داد.

پس از انتخابات مجلس خبرگان و دقیقاً هفت ماه پس از تشکیل دولت موقت بار دیگر دور جدید فشارها بر دولت موقت آغاز شد. این بار ابوالحسن بنی صدر از جبهه ی ملی، روزنامه ی امت ارگان جنبش مسلمانان مبارز خود را مورد انتقادات قرار داد. ابوالحسن بنی صدر عضو شورای انقلاب و منتقد جدی دولت موقت در یک سخنرانی جنجالی دولت موقت را به باد انتقاد گرفت و آن را به ضعف و بی کفایتی، عدم توانایی ایجاد تغییرات در دستگاه حکومتی و سهل انگاری متهم ساخت.^۱

۲- مجلس خبرگان قانون اساسی و بنی صدر

با سقوط نظام شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تدوین قانون اساسی جدید برای تحقق آرمان های ملت ضروری بود و این ملت مستلزم تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی بود که فکر تدوین قانون اساسی قبل از پیروزی انقلاب و به هنگام اقامت امام خمینی(ره) در پاریس ۱۳ مهر تا ۱۱ بهمن ۵۷ به وجود آمده بود.

پس از آغاز کار دولت موقت در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۸ شورای عالی طرح های انقلاب تأسیس گردید و اساسنامه ی آن تصویب شد که یکی از وظایف شورا تهیه ی طرح قانون اساسی بر مبنای ضوابط اسلامی و اصول آزادی بود. پیش نویس طرح قانون اساسی مصوب دولت موقت در شورای انقلاب مورد بررسی قرار گرفت و تغییرات محدودی در آن به

^۱ - عباس، شادلو، انقلاب اسلامی از پیروزی تا تحکیم، ناگفته های تاریخی از دولت موقت و شورای انقلاب تا سقوط بنی صدر ۱۳۶۰-۱۳۵۷، تهران، مؤلف، ۱۳۸۵ش، ص ۸۲.

عمل آمد. امام پس از چند روز ضمن مذاکره با بنی صدر و بهشتی-اعضای اعزای به قم- در حاشیه ی شش اصل علامت گذاشته بودند که پس از مذاکره با این افراد در سه مورد نظرات شورای انقلاب را پذیرفته و اظهار داشتند که در سه مورد در مجلس بررسی پیش نویس قانون اساسی پیرامون آن بحث و بررسی شود.^۱

شورای انقلاب در ۱۴ تیر ۱۳۵۸ لایحه ی قانونی انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی را تصویب کرد که به موجب آن تعداد اعضای این مجلس ۷۳ نفر تعیین شد. رقابت اصلی در اولین انتخابات جمهوری اسلامی ایران میان نیروهای انقلابی و مذهبی از یک سو و نیروهای ملی گر و سازمان مجاهدین خلق از سوی دیگر بود.^۲

دراین میان بنی صدر علاوه بر حمایت نیروهای انقلابی و مذهبی درلیست کاندیدای احزابی چون حزب توده نیز قرار داشت. ابوالحسن بنی صدر که به معاونت وزارت اقتصاد و دارایی برگزیده شده بود با اعلام انصراف از سمت خود در فهرست کاندیداهای مجلس خبرگان باقی ماند.^۳ حزب توده چند روز مانده به انتخابات در کنار نامزدهایش در تهران و شهرستان ها از برخی نامزدهای مترقی دیگر نیز حمایت کرد. این نمایندگان آیت الله طالقانی، رجوی و ابوالحسن بنی صدر اعلام شدند.^۴

^۱ - محمدوحید، قلفی، مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران، تهران، مؤسسه ی چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۹ش، ص ۳۸۸.

^۲ - سید روح الله، موسوی خمینی، صحیفه ی امام، ج ۹، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹ش، ص ۲۲۷.

^۳ - مسیح، مهاجری، روزنامه ی جمهوری اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۵/۴.

^۴ - همان، ۱۳۵۸/۵/۲.

بنی صدر پس از انتخابات با موضوعی متفاوت از مکانی که اعتقاد به برگزاری آزاد انتخابات و کسانی که اعتقاد به آزاد نبودن انتخابات داشتند در جملاتی دو پهلو درباره انتخابات سعی کرد جناح های مختلف را راضی نگه دارد. مجلس خبرگان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ با پیام امام خمینی(ره) آغاز به کار کرد و برای تدوین و تصویب مواد قانون اساسی نزدیک به ۹۰ روز وقت صرف کرد. آخرین جلسه ی این مجلس ۲۴ آبان سال ۱۳۵۸ برگزار شد. قانون بررسی شده در ۱۱ و ۱۲ آذر به فرماندوم گذاشته شد و قبل از افتتاح مجلس خبرگان نمایندگان به منظور دیدار با امام خمینی(ره) به قم رفتند و بنی صدر نیز در جمع آنها بود که در این جلسه علمای طراز اول و مؤثر خبرگان اصول کلی و خط مشی خود را مشخص کردند که از همان زمان برای بنی صدر مشخص شد که جو اکثریت مجلس با نظرات او متفاوت است.

بنی صدر در مورد دو اصل قانون اساسی بیشترین تقابل و تضاد را با روحانیون حاضر در مجلس خبرگان داشت:

اولین مخالفت بنی صدر در مورد اصل پنجم قانون اساسی بود که مربوط به اصل ولایت فقیه می شد و رهبر را در رأس هرم قدرت حکومت قرار داده و اختیارات گسترده ای را به او محول می کرد.^۱

دومین اصل مورد اختلاف اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی بود که به شرایط عمومی و اختصاصی رئیس جمهور مربوط می شد و در صورت تصویب آن، لازم بود هر شخصی که برای کسب این پست خود را معرفی می کند دارای شرایط خاص باشد. این

^۱ - صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جلسه ی دوم، تهران، اداره ی کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴ش، صص ۲۳-۲۴.

اصل همچنین حوزه اختیارات رئیس جمهور را مشخص می کرد و بنی صدر خواستار تصویب قوانینی بود که اختیارات گسترده ای برای رئیس جمهوری قایل باشد.

از یکی از جلسات مجلس، رئیس جلسه دکتر بهشتی اصل مربوط به شرایط رئیس جمهور را به رأی گذاشت اما پس از اعلام این اصل با اعتراض بنی صدر روبرو شدند. وی معتقد بود که هنوز بحث تمام نشده و شرایط قابل قبول نیست و لازم است تغییراتی در این اصل صورت گیرد. اما ایراد بنی صدر آن بود که نباید برای رئیس جمهور شرطی قائل شد، چرا که ریاست جمهوری کاری اجرایی است که احتیاج به تخصص و توان مدیریتی دارد.^۱

بنی صدر که خود را در تضادها و برخوردهای داخلی مجلس خبرگان مغلوب می دید سعی می کرد در خارج از مجلس پاسخی به دیدگاه های اکثریت نمایندگان مجلس خبرگان بدهد. بنابراین در یکی از سر مقاله های روزنامه های انقلاب اسلامی به بهانه ی دفاع از روحانیت لیستی را از آنچه وی ادعاهای نهضت آزادی ایران و دولت مهندس بازرگان علیه روحانیت نامیده بود منتشر ساخت که سلسله ی دشنام و اتهام نسبت به روحانیت و عملکرد آنان بود که موجب ایجاد مشاجره های لفظی بین اعضای مجلس خبرگان گردید.^۲

در پس ایجاد چنین تنش هایی مجلس خبرگان در اواخر کار خود کمیسیونی تشکیل داد تا بر روی هر اصل پیشنهادی، قبل از طرح آن در جلسه ی علنی کار کارشناسی انجام دهد که ابوالحسن بنی صدر و آیت الله مکارم شیرازی به عنوان اعضای آن برگزیده شدند، به دلیل آنکه بنی صدر با حدود اختیارات ولی فقیه مخالف بود در این کمیسیون نیز سعی

^۱ - فاطمه، نظری، از ظهور تا سقوط بنی صدر، ص ۱۱۷.

^۲ - همان.

داشت طرح پیشنهادها و اصلاحیه‌ها تا حد امکان از اختیارات ولی فقیه کاسته و در اختیارات رئیس جمهور افزوده شود. در آن روزها زمزمه‌هایی در مورد تصمیم بنی صدر برای ورود به امور اجرایی وجود داشت و طبیعی بود که احساس بعضی افراد آن باشد که او برای وسعت بخشیدن به اختیارات آینده‌ی خود تلاش می‌کند روزنامه‌ی انقلاب اسلامی در روز پنج‌شنبه اول شهریور ۱۳۵۸ مطالبی در مورد نظر بنی صدر درباره‌ی ولایت فقیه منتشر کرد که بیان‌کننده‌ی موضع او در مجلس خبرگان بود. او در پاسخ به سؤالات مطرح شده صریحاً به مخالفت با ولایت فقیه پرداخت.^۱

سرانجام با تمام مخالفت‌های بنی صدر، اصل پنجم قانون اساسی که مربوط به ولایت فقیه بود در ۵۸/۶/۲۲ با ۵۳ رأی موافق در مجلس خبرگان تصویب شد. هر چند با تصویب اصول پنجم و یکصد و ده قانون اساسی انتظار می‌رفت که گفتگوها و مخالفت‌ها و مبارزات دو طرف خاتمه یابد. اما بنی صدر همچنان به اعتراضات خود ادامه داد و در روزنامه‌ی انقلاب اسلامی مقالاتی در این مورد چاپ کرد و موضوعات مختلف بهانه‌ای به دست او می‌داد تا نظرات خود را بیان کند و درسخترانی‌هایش پر مواضع خود پافشاری نماید. حتی با استفاده از فرصت فوت آیت‌الله طالقانی و با انتشار بخش‌هایی از بیانات ایشان، قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان را قانون استبدادی و تک‌محور خواند.^۲

ج- اقدامات سیاسی در دوران ریاست جمهوری

پس از انجام انتخابات همه‌پرسی قانون اساسی در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۲ گام‌های در

^۱ - فاطمه نظری، همان کتاب، صص ۱۱۸-۱۱۹.

^۲ - فاطمه، نظری، از ظهور تا سقوط بنی صدر، ص ۱۲۱.

راستای اجرای قانون اساسی برداشته شد. از مهم ترین این گام ها برگزاری انتخابات در دو نهاد ریاست جمهوری و قانون گذاری (مجلس) بود.^۱ انتخابات ریاست جمهوری در اولویت قرار گرفت و شورای انقلاب ۲۸ آذر سال ۱۳۵۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری را شامل ۳۷ ماده و در تاریخ ۵/۱۱/۵۸ تصویب و اعلام کرد. بنی صدر ششم در ۱۳۵۸ با امام دیدار کرد و پس از این ملاقات رسماً آمادگی خود را برای نامزدی ریاست جمهوری اعلام کرد. با اعلام آمادگی وی به تدریج گروه ها و شخصیت های مطرح جامعه به حمایت از وی پرداختند از دوازدهم دی ماه، حمایت ها از بنی صدر فزونی گرفت روحانیت مبارز تهران در اطلاعیه ای اعلام کرد به بنی صدر رأی خواهد داد.^۲

روز بیست و سوم دی ماه یکی از تأثیر گذارترین حمایت ها بر سرنوشت انتخابات با اعلام حمایت آیت الله پسندیده برادر امام خمینی (ره) از بنی صدر شکل گرفت. آیت الله پسندیده اعلام کرد که به علت سوابق، اصالت و سیادت خانوادگی و تحصیلات عالی ی بنی صدر به وی رأی خواهد داد.^۳

بنی صدر زمانی که نامزد ریاست جمهوری شد، هم سمت سرپرستی وزارت امور اقتصاد و دارایی و هم سرپرستی وزارت امور خارجه را عهده دار بود. درون مایه ی روش مبارزاتی بنی صدر را انتقاد از اوضاع جاری کشور تشکیل می داد. بنی صدر در عین حال که سمت دولتی داشت، عضو شورای انقلاب بود. با توجه به فرهنگ سیاسی مردم وی را به شدت مساعدت کرد. علاوه بر آن وی به شکل صوری بهره ی وام بانکی را به خصوص

^۱ - عباس، مسعودی، روزنامه انقلاب اسلامی، تهران، موسسه اطلاعات، ۵۸/۹/۲۹.

^۲ - همان، ۵۸/۱۰/۱۲.

^۳ - همان، ۵۸/۱۰/۲۳.

وام مسکن را کاهش داد یا حذف کرد. همچنین از قبل اشعار ملی کردن بانک ها را سر می داد و این اقدام را به خود منتسب می کرد. همچنین نطق های مختلف و بهره گیری از روزنامه ی انقلاب اسلامی به وی کمک زیادی کرد. اما علت تامه ی پیروزی بنی صدر، حمایت جامعه ی روحانیت مبارز تهران از وی بود.^۱

تعداد افراد و گروه هایی که تا برگزاری انتخابات از بنی صدر اعلام حمایت کردند به ۱۱۷۹ گروه و سازمان می رسیدند. اکثر این گروه ها انجمن های اسلامی و گروه های اسلامی بودند با وجود حمایت های گسترده ای که از بنی صدر صورت گرفت، تعدادی از تشکل ها و افراد نیز به مخالفت با بنی صدر پرداختند. در میان تشکل های آن زمان مهم ترین مخالف بنی صدر حزب جمهوری اسلامی بود. اختلاف عمده ی حزب جمهوری اسلامی با بنی صدر بر مسئله ی ولایت فقیه بود. آنچه محرز است بنی صدر با آنکه عضو مجلس خبرگان بود، در آن جلسه ای که برای بررسی مسئله ی ولایت فقیه تشکیل شد، شرکت نکرده و طبعاً به بند قانون اساسی که در مورد ولایت فقیه بود، رأی نداده است. با وجود این مسئله بسیاری از رقبای بنی صدر که همگی از روحانیون بودند کنار رفتند و راه برای بنی صدر هموارتر شد. سرانجام بنی صدر با کنار زدن رقبای خود، با کسب ۱۰/۷۰۹/۳۳۰ رأی و ۷۵/۷۰ درصد آرا، به عنوان اولین رئیس جمهور ایران انتخاب شد.^۲

حوادث نخستین انتخابات ریاست جمهوری به شکلی پیش رفت که در واقع رقبای جدی بنی صدر کنار رفتند و بنی صدر در انتخاباتی پیروز شد که رقابتی تمام عیار

^۱ - غلامرضا، خواجه سروی، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران،

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۶۷.

^۲ - حسین، کاوشی، همان کتاب، ص ۲۲.

محسوب نمی شد. تا نهم ۱۳۵۸ تعداد ۱۲۰ نفر برای نامزدی ریاست جمهوری اعلام آمادگی و ثبت نام کرده بودند که وزارت کشور برای صلاحیت نامزدها از ۸ دی ۱۳۵۸ آغاز کرد، روز ۲۳ دی ۸۰ کاندیدا حذف شدند و ۵ نفر انصراف دادند.^۱

نخستین چالش واقعی سیاسی پس از پیروزی انقلاب، در انتخابات اولین دوره ی ریاست جمهوری به وقوع پیوست. در این چالش، بنی صدر توانست از فرصت پدید آمده و برخی مسائل عمومی موجود در جامعه بهره ببرد و با حذف کاندیدای حزب جمهوری اسلامی، بدون داشتن رقیب قابل توجه، اکثریت بلامنازع آرای مردم را کسب کند. همچنین یکی از مهم ترین و تعیین کننده ترین نظرها، از سوی امام مطرح شد و آن این بود که روحانیون نباید رئیس جمهور شوند.^۲

۱- بنی صدر و مسئله ی انتخاب نخست وزیر

پس از انتخاب حجت الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی به ریاست مجلس شورای اسلامی و سوگند ابوالحسن بنی صدر در مجلس، مسئله ی معرفی و انتخاب نخست وزیر در میان طیف سیاسی جامعه و مطبوعات مطرح شد. در این زمان تنها نهادی که در اختیار نیروهای خط امام (ره) قرار نداشت ریاست جمهوری بود. بنی صدر نیز به این مسئله واقف بود و سعی می کرد، موقعیت تضعیف شرعی جناح خود را با انتخاب نخست وزیر، که به نیروهای خط امام به ویژه حزب جمهوری اسلامی وابسته نباشد بهبود بخشد. همچنین به سرعت مسئله ی انتخاب نخست وزیر به یک معضل بزرگ و مهم سیاسی

^۱ - عباس، مسعودی، همان روزنامه ی، ۱۳۵۸/۱۰/۲۲.

^۲ - حسین، شریعتمداری، روزنامه کیهان، تهران، ۱۳۵۸/۱۰/۹.

تبدیل شد و بیشتر از آنچه انتظار می رفت به طول انجامید و تا اواخر شهریور ۱۳۵۹ همه ی مسائل را تحت الشعاع خود قرار داد.^۱

در این مقطع از تاریخ انقلاب، جناح های سیاسی در نظام جمهوری اسلامی به دو جریان کلی «خط امام» و «لیبرال» تقسیم شدند و این تقسیم بنید تا زمان عزل بنی صدر از ریاست جمهوری و اندکی پس از آن ادامه یافت و جناح های موسوم به «چپ» و «راست» از اوایل سال ۱۳۶۱ مرسوم گردید.^۲

تعارض و اختلافات دو جناح فعال در نظام سیاسی با توجه به دیدگاه ها و ملاک هایی که داشتند، اجتناب ناپذیر و حتمی بود. در نظر طیف نیروهای خط امام، مکتبی بود، مسلمان بودن و متعهد بودن، اساس انتخاب نخست وزیر بود و به نظر آنها اگر فرد با تجربه ای با این شرایط پیدا می شد، از نظر انتخاب مقدم بود.

اساس تفکر جناح لیبرال، به ویژه شخص بنی صدر، تساهل و ترجیح دادن منافع ملی بر منافع امتی و آرمانی بود. همچنین به تجربه و تخصص، بیش از مکتبی بودن و تعهد معتقد بودند.

با وجود این شرایط، بنی صدر که عرصه را بر خود تنگ می دید، همراه با طیفی از همفکران خود و مخالفان نظام، مرتباً مسئله ی استبداد و ارتجاع را به کفایه نسبت به حزب جمهوری مطرح می کرد. او برای ایجاد موج های اجتماعی علیه حزب و باز کردن راهی

^۱ - سجاد، راعی گلوچه، زندگی نامه ی سیاسی شهید رجائی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ش، صص ۱۰۶-۱۰۷.

^۲ - حجت، مرتجی، جناح های سیاسی در ایران امروز، تهران، انتشارات نقش و نگار و شفیعی، ۱۳۷۷ش، ص ۹.

جهت تحمیل کابینه ی دلخواه خود در جلسات عمومی مدام درباره ی «گرایش جامعه به استبداد دست راستی» هشدار می داد.^۱

این موضوع موجب اختلاف شدیدی بین هرم قدرت سیاسی کشور شد و آنها را به برخورد های خطرناکی کشاند که در این شرایط امام خمینی (ره) سخنرانی کرد و در سخنرانی های خود به طور مرتب مسئله ی توافق سیاسی بین جناح ها را گوشزد و آنها را به هماهنگی و به اصطلاح کوتاه آمدن در مقابل هم برای انسجام سیاسی و حفظ اساس نهضت دعوت می کردند.^۲

اما این سخنان، تأثیری در روند امور نداشت، بنی صدر که مایل به تفاهم با حزب جمهوری اسلامی نبود و قدرت تحمیل نظرات خود به آنها را نیز نداشت، دست دوستی به سازمان مجاهدین خلق داد. این دوستی آغاز سقوط وی و حرکت رو به زوال نخستین رئیس جمهور ایران بود.

در روز جمعه ۲۳ خرداد ۱۳۵۹، مجاهدین میتینگ بزرگی در ورزشگاه امجدیه برگزار کردند. که به زد و خوردهای شدیدی انجامید و تأثیر تبلیغاتی گسترده ای در رسانه ها و افکار عمومی داشت. بنی صدر درست هم زمان با این درگیری ها به انتقاد تلویحی از نیروهای کلاسیک اسلامی و جانبداری ضمنی از مجاهدین پرداخت.^۳

این شخصی که از جانب بنی صدر به عنوان نامزد نخست وزیری در سطح جامعه مطرح شد. حجت الاسلام احمد خمینی، فرزند امام بود. روزنامه ی انقلاب اسلامی این

^۱ - حسین، شریعتمداری، همان روزنامه، ۱۳۵۹/۳/۱۲.

^۲ - همان، ۱۳۵۹/۳/۲۲.

^۳ - حسین، شریعتمداری، همان روزنامه، ۱۳۵۹/۳/۲۴.

موضوع را به صورت تیتراژ در بالای صفحه ی شماره ی ۳۱۱ روز چهارشنبه اول مرداد ۱۳۵۹ به چاپ رساند.^۱

بنی صدر به جای اینکه نامزد نخست وزیری را به مجلس معرفی کند مستقیماً به امام نامه نوشت تصور بنی صدر این بود که اگر امام با پیشنهاد وی در مورد نامزد نخست وزیری موافقت کند مجلس در مقابل عمل انجام شده قرار خواهد گرفت و چاره ای جز پذیرش نخواهد داشت. پس اگر نقشه ی بنی صدر عملی می شد می توانست نامزد مورد نظر خود را به مجلس تحمیل کند. اما امام این نقشه را بی اثر ساخت و حیثیت و اعتبار مجلس که پیوسته مورد تأیید و حمایت امام بوده محفوظ ماند.^۲

بنی صدر از اینکه بتواند خارج از نفوذ قوه ی مقننه و بدون نظر تمایل نمایندگان مجلس، نخست وزیری منصوب کند، تقریباً ناامید شده بود. تیتراژ اول روزنامه انقلاب اسلامی در روز هفتم مرداد ۱۳۵۹ نشان دهنده ی این ناامیدی و در عین حال زمینه ساز برای ایجاد تضاد و تقابل بین مردم و دولت آینده بود. این روزنامه قسمتی از سخنان بنی صدر که در مسجد انصارالحسین، تهران ایراد شده بود، به صورت تیتراژ در صفحه ی اول خود از مردم خواسته بود که اگر فرد منتخب رئیس جمهور به نخست وزیری منصوب نشد دولت را نپذیرند و خود بنی صدر به جامعه چنین تلقین می کرد که تا مردم مطمئن نشوند دولتی که روی کار می آید با رئیس جمهوری هماهنگ است. آن را نخواهد پذیرفت.^۳

بنی صدر نیز در اجتماع جامعه ی زنان انقلاب اسلامی شعبه ی شمیران، ضمن متهم

^۱ - فاطمه، نظری، همان کتاب، ص ۱۷۲.

^۲ - کیومرث، صابری، همان کتاب، صص ۱۴-۱۳.

^۳ - عباس، مسعودی، همان روزنامه ی، ۱۳۵۹/۵/۷.

کردن جناح مخالف به کارشکنی‌ها به سخنرانی پرداخت.

بنی صدر در روزهای بعد نیز به حملات خود علیه جناح مخالف ادامه داد و با سخنانی کذب آنها را به ایجاد محدودیت، کارشکنی و انحصار طلبی متهم کرد. از جمله در روز دهم مرداد ۱۳۵۹ در جمع مردم مشهد سخنرانی کرد.^۱

در حالی که این کشمکش‌ها بین دو جناح سیاسی حاکم با دو دیدگاه متفاوت ادامه داشت هیئت ویژه‌ی تشخیص صلاحیت نخست‌وزیر نیز به کار خود ادامه داد. و در آخر هم رأی‌گیر در ۲۰ مرداد بین نامزدهای پیشنهادی صورت گرفت و رجائی با ۱۵۳ رأی موافق و ۲۴ رأی مخالف، با اکثریت آراء به عنوان اولین نخست‌وزیر نظام جمهوری اسلامی انتخاب شد. بنی صدر به صورت تلویحی و آشکارا در موارد و دفعات مختلف، عدم موافقت خود را با معرفی رجائی اعلام کرده بود و هیئت بررسی نیز از آن اطلاع داشت. بنی صدر، علی‌رغم میل درونی‌اش، پیشنهاد هیئت بررسی را پذیرفت و هیئت نظر خود را مبنی بر انتخاب رجائی را در روز ۸۸ مرداد ۱۳۵۹ اعلام و بنی صدر وی را روز بعد به مجلس برای اخذ رأی تمایل معرفی کرد.^۲

۲- واقعه‌ی طبس و کودتای نوژه

از نکات ابهام‌آمیز دوران ریاست جمهوری بنی صدر، ارتباط وی با دو واقعه‌ی مهم طبس و کودتای نوژه است. واقعه‌ی طبس در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ پس از چند ماه که از تسخیر انقلابی سفارت آمریکا در ایران می‌گذشت روی داد. دانشجویان پیرو خط امام در

^۱ - سجادی، راعی گلوچه، همان کتاب، صص ۱۱۳ و ۱۱۴.

^۲ - همان کتاب، صص ۱۱۴ و ۱۱۵.

۱۳ آبان ۱۳۵۸، سفارت آمریکا را تسخیر کردند و ایالت متحده ی آمریکا که از این اقدام سخت متحیر و سردرگم شده بود، حمله به ایران را در دستور کار خود قرار داد که به ظاهر برای نجات دیپلمات های به گروگان گرفته شده بود اما عملاً با حمله به موقعیت های حیاتی پایتخت، تجاوز به تمامیت ارضی ایران محسوب می شد. عملیات نظامی آمریکایی ها در نیمه شب ۵/۲/۵۹ در صحرای طبس با شکست مواجه شد که هلی کوپترها به دلیل اشکال فنی فرود آمد با بروز این حادثه عملیات نجات متوقف شد و اعضای گروه نجات در حالی که اجساد سوخته شده ی ۹ تن از یاران خود را پشت سر گذاشته بودند با سرعت محل را ترک کردند^۱ و آمریکا در عملیاتی که در صحرای طبس جهت آزادی جان گروگان های اسیر در ایران با شکست رو به رو شد و اسناد سری و مهمی در درون هلی کوپترها به جای مانده است.^۲

پس از مدت کوتاهی از پخش این اعلامیه از جانب کاخ سفید، بنی صدر که در آن زمان فرماندهی کل قوا را بر عهده داشت، دستور داد تا هلی کوپترهای به جای مانده از عملیات آمریکایی ها بمباران شود. در این اقدام، اسناد سری و مهم باقی مانده در آتش سوختند و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یزد که در منطقه هلی کوپترها محافظت می کرد به شهادت رسید و سه پاسدار دیگر زخمی شدند.

این واقعه و رویدادهای چند روز پس از آن به رسوایی دوستان داخلی آمریکا از

^۱ - چارلی، بکویت، مجله ی سروش (حادثه ی طبس)، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷ش،

ص ۸، شماره ی ۱۵۵، مرداد ۱۳۶۱، ص ۲۸

^۲ - طبس، مصداقی بر سوره ی فیل (نگرشی بر ماجرای طبس)، ترجمه و تنظیم دانشجویان

مسلمان پیرو خط امام، تهران، مرکز نشر اسناد لانه ی جاسوسی، ۱۳۷۰ش، ص ۲۵.

جمله بنی صدر انجامید و برای اولین بار مورد انتقاد شدید نیروهای انقلابی قرار گرفت. خیانت و همکاری او با آمریکایی ها در این زمینه و مواضع ضد انقلابی بعدی او، راه را برای اخراج بنی صدر از مجموعه ی قدرت هر چه بیشتر هموار کرد. به عنوان نمونه می توان به تلاش های فرماندهان ارتش که تحت فرمان بنی صدر بودند برای ایجاد اختلال در پوشش راداری کشور و همچنین بی دفاع کردن فرودگاه ها اشاره کرد.^۱

هم زمان با تجاوز طبس، سازمان سیا از طریق شاپور بختیار در تدارک طرح کودتای نوژه بود. تجاوز نظامی طبس و کودتای نوژه دو حلقه ی یک زنجیر واحد بود که باید براندازی نظام جمهوری اسلامی را به شهر می رساند.

عملیات کودتای نوژه قرار بود به طور هم زمان در تهران و سایر شهرهای بزرگ به اجرا در آید و اماکنی مانند مدرسه ی فیضیه، اقامتگاه امام، کمیته ی مرکزی ... توسط هواپیما بمباران شود. بنا بود که کودتا گران در این بمباران ها از بمب های خوشه ای و آتش زا استفاده کنند. حدود ۵۰۰ نفر افراد فنی و نظامی را برای شرکت در عملیات آماده کرده بودند.^۲

کودتای نوژه ۱۸ تیر ۱۳۵۹ با شکست مواجه شد. گر چه نقش عناصر نفوذی حزب توده در میان کودتاجیان و افشای آن را نمی توان انکار کرد، ولی آنچه درباره ی لو رفتن عملیات کودتا مشهود است حکایت خلبانی که مأموران بمباران بیت امام بود دچار عذاب

^۱ - احمد رضا، شاه علی، انقلاب دوم (تسخیر لانه ی جاسوسی آمریکا، آثار و پیامدها)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۷۷.

^۲ - علی، موسوی، کودتا و ضد کودتا، تهران، دفتر نشر هماهنگی اسلامی، ۱۳۶۳ش، ص ۱۸۹.

وجدان شده و تصمیم به افشای برنامه ی کودتا گرفت.^۱

در مورد افرادی که در کودتا مشارکت داشتند در یکی از اسناد فرماندهی سپاه پاسداران از مهندس اسفندیار درویش (مشاور صنعتی بنی صدر) و منوچهر مسعودی (مشاور حقوقی بنی صدر) نام برده شده است که محور ارتباطی بنی صدر با بختیار بوده اند.^۲

بنی صدر از ابتدا در لیست کسانی بود که باید ترور می شد. اما بعداً تصمیم گرفته شد او را دستگیر کنند. پس از شکست کودتا، بنی صدر در کارنامه ی خود و روز شنبه ۲۱ تیر ۱۳۵۹ ادعا کرد: «من تا این زمان در کشور این توطئه ها موفق بوده ام»^۳ ولی اظهارات دیگر او در روزهای قبل بی اطلاعی او را از این حادثه نشان می دهد.

گر چه بنی صدر این جریان ناسالم در نیروی هوایی را روشن نمی سازد ولی می توان احتمال داد که جریان ناسالم تلاش های مربوط به براندازی بوده است. زیرا پس از آن فرمانده نیروی هوایی گفت که طرح را خود ارتش کشف کرده است.^۴

بنابراین چگونه می توان ادعای بنی صدر را در کشف این توطئه پذیرفت در حالی که سه روز پیش از فرا رسیدن زمان موعود کودتا گران را نسبت به قسمت پیگیری بودن

^۱ - امیر، قربانی، کودتای نوژه، تهران، مؤسسه ی مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۶۸، ص

۱۹۰.

^۲ - سیدعبدالکریم، موسوی اردبیلی و جمعی از محققین، غائله ی چهاردهم اسفند ۱۳۵۹ ظهور و سقوط انقلاب، تهران، دادگستری جمهوری انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۱۸۸.

^۳ - ابوالحسن، بنی صدر، روزها بر رئیس جمهور چگونه می گذرد؟، ج ۱، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹، ص ۴۷.

^۴ - همان، ص ۴۷.

یک جریان ناسالم در نیروی هوایی هوشیار می سازد.^۱

۳- سرقت اسناد وزارت خارجه

محافظت از اسناد محرمانه و سری از ضرورت های یک نظام است و دشمنان یک کشور همواره تلاش می کنند از طریق ستون پنجم و عوامل نفوذی خود بر اسناد محرمانه و فوق سری دیگر کشورها دست یابند تا بتوانند با اطلاعات بیشتری به آن کشور سیطره پیدا کنند. در اواخر اردیبهشت ۱۳۶۰ ماجرای سرقت اسناد وزارت امور خارجه^۲ در فضای سیاسی جامعه مطرح شد که در واقع آخرین روزهای سیاست جمهوری بنی صدر بود. به احتمال زیاد این سرقت تحت اشراف شخص رئیس جمهور صورت گرفت زیرا پس از سرقت هم خودش و هم دفترش از سرقت کنندگان حمایت کردند. انتشار این خبر از طریق رسانه ها در آشکار شدن چهره ی واقعی بنی صدر نقش بسزایی داشت و سرانجام به بی اعتدای مردم و نمایندگان ملت نسبت به وی انجامید.

یک روز بعد دفتر ریاست جمهوری طی اطلاعیه ای خبر مزبور را به شدت تکذیب کرد و گفت این امر مربوط به نمایندگی این دفتر بوده است که با معرفی کتبی و اجازه ی مقامات مسئول مملکتی مأمور رسیدگی و مطالعه ی پرونده هایی در وزارت خارجه و سایر وزارت خانه ها بوده است. در این اطلاعیه وابستگی مرتضی فضلی نژاد عامل سرقت اسناد به دفتر ریاست جمهوری و نیز دسترسی این شخص به اسناد وزارت خارجه تلویحاً تأیید شد. در اطلاعیه ی وی آمده بود که برخی از اسناد به سرقت رفته مربوط به کسانی است

^۱ - امیر، قربانی، همان کتاب، صص ۱۶۱-۱۶۴.

^۲ - حسین، شریعتمداری، همان روزنامه، ۱۳۶۰/۲/۳۰.

که از طرف وزارت سابق وزارت خارجه یعنی خود بنی صدر منصوب شده اند و هنوز در مصدر کارند.^۱

۴- گروهان گیری اعضای سفارت آمریکا

روز سیزدهم آبان ۱۳۵۸ سفارت آمریکا در تهران توسط گروهی از دانشجویان که خود را دانشجویان پیرو خط امام می نامیدند اشغال شد و اعضای سفارت توسط آنان به گروهان گرفته شد. هر چند دانشجویان در ابتدا تصمیم به اشغال کوتاه مدت داشتند اما علل و عوامل مختلفی باعث شد که این اشغال ۴۴۴ روز به طول انجامید و تأثیرات مهمی را بر صحنه ی سیاست داخلی و خارجی ایران در جای گذارد.^۲

صبح روز سیزدهم آبان جلسات در دانشگاه ها تشکیل شد. اعضای شورا در هر دانشگاه مسئول توجیه افراد خودشان بودند. پس افراد طبق برنامه ای که معین شده بود، سازماندهی می شدند. گروهی کارت مخصوص نگهبانی، گروهی کارت مخصوص اسناد و گروهی دیگر کارت مخصوص نگه داری از گروهان ها داشتند که قریب بر ۵۰۰ دانشجوی سازمان دهی شده در تقاطع خیابان ها گردهم آمده و به سوی سفارت آمریکا به حرکت در آمدند و سفارت را به اشغال خود در آوردند. امام خمینی اقدام دانشجویان را تأیید کرد و به سفارت آمریکا لقب «لانه جاسوسی داد»^۳

^۱ - همان، ۱۳۶۰/۲/۳۰.

^۲ - مسعود، سفیری، حقیقت ها و مصلحت ها، مصاحبه با هاشمی رفسنجانی، تهران، نشرنی،

۱۳۷۸ش، صص ۵۰-۵۱.

^۳ - سید روح الله، خمینی (ره)، صحیفه ی امام، ج ۱، ص ۴۹۱.

دانشجویان اقدام به انتشار تعدادی از اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا کردند با انتشار این اسناد موجی از تنش های سیاسی نوین در ایران آغاز شد.^۱

بنی صدر در مقابل خبرنگاران خارجی با چهره ای حق به جانب سخن می گفت که کاملاً مسئله ی زندانی شدن انسان ها را می فهمد. اما این مسئله ی زندانی است اما مشکل این افراد تنها گروگان بودن آنهاست حال آنکه شاه، مسئله ی ملت ها، آینه ی این ملت و بشریت رنج کشیده است.^۲

آمریکا در مقابل این بحران اقداماتی انجام داد که عبارت بودند از اعزام نماینده به تهران، تصمیم به اتخاذ روش های سیاسی و اقتصادی و نظامی علیه ایران و ... که امام خمینی(ره) در واکنش به این اقدامات آمریکا دستور داد مقدمات سه پرونده ی جداگانه علیه آمریکا برای تسلیم به دادگاه فراهم شود که بنی صدر مأمور رسیدگی به مورد دوم یعنی تجاوزات وارد شده از طریق آمریکا به امور اقتصادی ایران گردید. با توجه به اینکه فرماندهی کل قوا را بنی صدر بر عهده داشت، نوک حمله به سوی او نشانه رفت. او خود مسئولیت این کار را پذیرفت و دلایل ناموجهی را نیز برای این اقدام خود ارائه کرد. در این ارتباط با این مسئله شورای انقلاب، کمیسیونی را با حضور سه نفر تشکیل داد. اما کارشکنی های بنی صدر موجب شد تا کمیسیون نتواند آن طور که باید و شاید به وظایف خود عمل کند.^۳

^۱ - یحیی، فوزی، تحولات سیاسی-اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، ج ۱، تهران، نشر عروج، ۱۳۸۷ش، ص ۵۷۴.

^۲ - منوچهر، محمدی، انقلاب اسلامی زمینه ها و پیامدها، تهران، نشر معارف، ۱۳۸۰ش، ص ۱۷۸.

^۳ - مسعود، رضوی، هاشمی و انقلاب، تهران، انتشارات همشهری، ۱۳۷۶ش، ص ۴۱۷.

در همان زمان اختلاف نظرهایی بین دانشجویان و برخی از اعضای شورای انقلاب وجود داشت که عمده دانشجویان حاضر به تحویل گروگان ها به شورا و دولت نبودند و همین موجب درگیری تندی بین دانشجویان و شورای انقلاب پیش آمد.^۱ عمده ی برخوردها بین بنی صدر، رئیس جمهور و قطب زاده وزیر امور خارج و دانشجویان بود که خواستار تحویل گروگان ها به شورای انقلاب و دولت بودند. دانشجویان متقاعد شده بودند بنی صدر فعالانه سعی می کند با اطرافیان کارتر معامله کند.^۲ این در حالی بود که برخی از اعضای شورا مانند آقای هاشمی تحویل گروگان ها را به دولت و شورای انقلاب به مصلحت نمی دانستند.^۳

این بزرگترین چالش شورای انقلاب با اعضای کمیسیون حقیقت یاب سازمان ملل بود. شورای انقلاب با اصرار بنی صدر با ۸ رأی موافق خواستار تحویل گروگان ها به دولت شد.^۴

دانشجویان که می دانستند دیدار کمیسیون با گروگان ها سرانجام به سازش با آمریکا منجر می شود به شدت با شورای انقلاب به ویژه جناح لیبرال آن درگیر شدند که در این میان بنی صدر به دروغ متوسل شد و گفت دانشجویان پیشنهاد تحویل گروگان ها را خدمت امام تقدیم کرده بودند. همچنین مذاکراتی با دو کشور انجام شد که نتیجه ی

^۱ - همان، ص ۴۱۲.

^۲ - معصومه، ابتکار، تسخیر اولین روایت مکتوب از درون سفارت تسخیر شده ی آمریکا در تهران ، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۹ش، ص ۳۱۷.

^۳ - مسعود، رضوی، همان کتاب، ص ۴۱۵.

^۴ - روح الله، رمضانی، چارپویی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه ی علیرضا طیب، تهران، نشرنی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۵.

مذاکرات با میانجیگری دولت الجزایر انجام گرفت که بیانیه ی صادر شد که به بیانیه های الجزایر معروف شد.^۱

مذاکره ی مقامات ایرانی با هیئت آمریکایی در زمانی صورت گرفت که وضع اداری ایران کم و بیش آشفته بود و دو وزارتخانه ی مهم و کلیه ی امور خارجه و دارایی که باید مهم ترین نقش را در مذاکرات ایفا می کردند، به علت کارشکنی های بنی صدر برسر راه فعالیت دولت مکتبی رجائی فاقدوزیر بود. بانک مرکز نیز در دست طرفداران بنی صدر بود و از کنترل رجائی-نخست وزیر وقت-خارج بود پس از امضای بیانیه ی الجزایر، برخی گروه ها زبان به انتقاد از بیانیه گشوده و اتهام خیانت به دولت زدند که در رأس این عده بنی صدر بود. بنی صدر علاوه بر طرح مسئله در مصاحبه ها و مقالات متعدد به ویژه در روزنامه ی متعلق به خود رسماً اعلام جرمی را علیه رجائی نخست وزیر تسلیم قوه ی قضائیه کرد. روزنامه ی انقلاب اسلامی ارگان بنی صدر و روزنامه ی میزان ارگان نهضت آزادی نیز طی ده ها شماره به نقد بیانیه پرداختند و آن را خیانتی جبران ناپذیر می دانستند.^۲ عملکرد بنی صدر را در جریان گروگان گیری اعضای سفارت آمریکا در ایران به دو دوره تقسیم می شود که دوره ی اول ۵۸/۸/۱۳ تا اوایل بهمن که بنی صدر سمت عضو شورای انقلاب را داشت و دوره ی دوم که از شروع ریاست جمهوری وی تا آزادی گروگان ها را در بر می گیرد.

به دنبال اقدام دانشجویان در انتشار اسناد لانه ی جاسوسی عده ای از جمله بنی صدر به مخالفت برخاستند. بنی صدر که هم با اصل قضیه و هم با افشای اسناد مخالف بود

^۱ - حسین، شریعتمداری، همان روزنامه، ۵۹/۱۰/۳۰، و ۱۳۵۹ ۵/۱.

^۲ - عباس، مسعودی، همان روزنامه، ۲۳ دی ۱۳۵۹ الی ۱۷ خرداد ۱۳۶۰.

اصرار داشت باید این اسناد در اختیار شورای انقلاب قرار گیرد. بنی صدر که در آغاز مجبور به پشتیبانی ظاهری از این اقدام دانشجویان شده بود و گروگان گیری را ناشی از اقدامات آمریکایی ها دانسته بود.^۱

نزدیک به یک ماه بعد و به دنبال تداوم افشاگری هایی که وی می ترسید خود او را نیز شامل شود با مخالفت با گروگان گیری به شعور ملت انقلابی ایران نیز توهین کرد و گفت با گروگان گیری و استفاده از زور مخالف است و نتیجه نخواهد داد. مردم ایران عجل هستند و دنبال هدف های دور نمی روند و تحمل آن را نیز ندارند و هدف هایی را که جنبه ی موضعی و حال دارد دنبال می کنند و چون این هدف ها اساس نیست کمتر موفق می شوند.^۲

اما علت اصلی مخالف بنی صدر با این اقدام انقلابی وجود اسنادی بود که دانشجویان از سفارت آمریکا کشف کرده بودند. در اسناد لانه ی جاسوسی بنی صدر با اسم رمز SDEURE (اس.دی.لور) خطاب شده است. سازمان سیا برای نزدیک شدن به بنی صدر، از پوشش مسائل اقتصادی استفاده کرد و مأموری با اسم رمز ترفورد را که در مسائل اقتصادی تبحر داشت، به عنوان یک تاجر مهم آمریکایی به وی معرفی نمود و بنی صدر در ملاقات های اولیه، خواستار تداوم این دیدارها می شود که این اقدامات یک ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی صورت می گیرد.^۳

^۱ - حسین، شریعتمداری، همان روزنامه، ۵۸/۸/۱۴.

^۲ - خلیل، پژواک، روزنامه ی اطلاعات، تهران، ۵۸/۹/۱۷.

^۳ - دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۹، تهران، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۷ش، ص ۷.

بنا به اعترافات یکی از گروگان ها که یکی از جاسوسان سیا که خود را نماینده ی یک کمپانی تجاری معرفی کرده بود در مرداد ۵۸ به تهران آمد و بین ۳ تا ۵ بار با بنی صدر ملاقات کرد در آخرین جلسه بنی صدر با پیشنهاد دریافت حقوق ماهیانه هزار دلار به عنوان مشاور اقتصادی شرکت تجاری تحت پوشش سیا موافق می کند.^۱

مسئله انتقال گروگان ها از سوی دانشجویان به دولت تحت حاکمیت بنی صدر در سال ۱۳۵۹ نیز ادامه یافت. بنی صدر به دنبال راه حل سریعی بود تا خود را از این مسئله رها کند و تلاش داشت تا هر چه سریع تر مقدمات آزادی گروگان ها را فراهم آورد تا به معامله ای دو جانبه دست بزند. او بر همین اساس ادعا می کرد که با زندانی کردن گروگان ها نمی توانیم آمریکا را به زانو در آوریم. پس از آن قرار شد تا شورای انقلاب درباره ی زمان تحویل و چگونگی انقلا و محل نگه داری گروگان ها تصمیم بگیرد، اما اختلافات بنی صدر، شورای انقلاب و دانشجویان، بر سر انتقال گروگان ها باز هم ادامه یافت و بنی صدر مانند گذشته تلاش می کرد تا به هر وسیله ی ممکن گروگان ها را از کنترل دانشجویان خارج کند. از سوی دیگر جناح اصولگری شورای انقلاب بر نظرات سابق خود تأیید داشتند و معتقد بودند که دولت ایران نباید به طور رسمی مسئولیت نگه داری گروگان ها را حتی برای مدت کوتاهی بر عهده بگیرد.^۲

۵- بنی صدر و جنگ تحمیلی

پس از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی، رژیم عراق دست به اقدامات و

^۱ - همان، صص ۴۷-۴۸.

^۲ - فاطمه، نظری، همان کتاب، ص ۲۳۶.

تحركاتی در نوار مرزی کشور زد. هدف از این اقدامات و تجاوزات تحریک آمیز وادار نمودن جمهوری اسلامی به واکنش متقابل و پس از آن توحیه حمله ی سراسری و گسترده ی عراق به ایران اسلامی بود. عراق قبل از آغاز جنگ تحمیلی ۶۳۷ بار به وسیله ی آتش توپخانه ی زرهی و بمباران هوایی، مناطق مرزی و شهرها و روستاها را مورد تجاوز قرار داد. در این وضعیت جلسه ای با برخی از مسئولان گذاشته شد که مسئولان به این نتیجه رسیدند که با توجه به حساسیت جنگ و ضرورت تمرکز قوا بهتر است رئیس جمهور به سمت فرماندهی کل نیروهای مسلح منصوب شود. امام نیز چنین کرد و بنی صدر فرماندهی کل قوا را بر عهده گرفت. بدین ترتیب بنی صدر علاوه بر ریاست جمهوری و ریاست شورای انقلاب، فرمانده نیروهای مسلح شد.^۱

در آن زمان پاسگاه های مرزی ایران نیز در مقابل حالت تدافعی و رزمی گرفتند. نقاط بحران در طول روز به خصوص در خوزستان حساس تر بود و بحران به اوج خود رسید و عراق با آرایش جنگی کامل آماده ی تهاجم شد. در چنین شرایطی ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور وقت ایران، علی رغم هشدارهای مکرر فرماندهان نظامی و دیگر دلسوزان انقلاب، تحركات و تجاوزات آشکار نظامی عراق را تنها یک مانور مرزی عنوان کرد.^۲

بنی صدر و عوامل دست نشانده ی او در ارتش می گفتند: چنین چیزی امکان ندارد.

^۱ - سید محسن، صالح، یاران آفتاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۹۷.

^۲ - مهدی، بهگ روند، احمد، سوداگر، جنگ از نگاهی دیگر، نیروی تحولات سیاسی و اجتماعی،

بی جا، مؤسسه فرهنگی خادم الرضا، ۱۳۸۰ش، صص ۴۵۶-۴۵۷.

عراق غلط می کند به ایران حمله کند.^۱ بنی صدر همواره خود را کارشناس بزرگ جنگ معرفی می کرد و می گفت «از وقتی که من به خوزستان رفته ام، دشمن در هیچ کدام از حمله های خود موفق نبوده و هر بار تلفات سنگینی را تحمل کرده و عقب نشسته است.^۲ بنی صدر که خود را فرشته ی نجات معرفی می کرد همواره تلاش می کرد که تقصیر را به گردن شهید بهشتی و دوستان حزب اللهی ایشان بیندازد و بنی صدر عامل شکست ایران در جبهه ها را جبهه های سیاسی مقابل می دانست. شهید همت می گوید: «با شروع جنگ بنی صدر این تز را مطرح کرد که ما زمین می دهیم و زمان می گیریم» این را شیوه ی کلاسیک خود می دانست.^۳

بنی صدر و برخی از فرماندهان نظامی معتقد به مقابله با دشمن به شیوه کلاسیک بودند و مشخصه ی بارز تفکر این گروه «اصالت ابزار» برای پیروزی و سوء ظن آن به نیروهای انقلابی بود. این گروه بر این عقیده بودند که با توپ و تانگ باید به جنگ توپ و تانگ رفت که طبیعتاً لازمه اش تأمین ابزار کلاسیک بود که این امر با توجه به شرایط موجود کشور غیر ممکن بود.^۴

بنی صدر به خاطر اعتقاد به این روش جنگی و با گذاردن دست روی دست و وقت کشی فراوان باعث گردید دشمن متجاوز با استفاده از فرصت فراهم آمده شهرهای کشورمان

^۱ - حسین بهزاد، گلعلی بابایی، همپای صاعقد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه ی هنری، ۱۳۷۹ش، ص ۳۹.

^۲ - همان، ۵۹/۸/۲۱.

^۳ - بهزاد، بابایی، همان کتاب، ص ۴۰.

^۴ - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گذری بر دو سال جنگ (هفته سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)، بی جا، بی تا، صص ۶۹-۷۰.

را به تصرف در آورد و همچنان پیشروی نماید و بنی صدر هم این روید را تاکتیک رزم خود قلمداد می کرد و مانع دخالت نیروهای مردمی در جنگ بود. بنی صدر علاوه بر ایجاد تشت و اختلاف در میان نیروهای رزمنده به ویژه ارتش و سپاه و با میدان دادن به پاره ای از افسران و فرماندهان لیبرال، با تأکید به مسئله ی تخصص خط سیاسی خود را دنبال نمود و از طریق مخالفت با دخالت نیروهای مردمی در جنگ امکان تجاوزات بیشتر را برای دشمن فراهم نمود و با قطع پشتیبانی تسلیحاتی و تدارکاتی نیروهای مردمی در خط مقدم جبهه، یعنی در واقع همان رزمندگان را که با ابتدایی ترین امکانات برای حفظ شهرهایی چون خرمشهر، هویزه و ... به گونه ای مظلومانه در برابر متجاوز مقاومت و ایستادگی می کردند را به مسلخ شهادت برد.^۱

کارشکنی های بنی صدر نیز به عنوان رئیس جمهور و فرماندهی کل قوا بسیاری از نیروهای بالقوه ی سپاه را تلف می کرد و در بعضی موارد موجب خسارت به آن می شد. همچنین سیاست های غلط و خائنانه ی بنی صدر و تحریم جهانی تسلیحاتی ایران وضع دشواری را در جبهه های جنگ به وجود آورده بود. بنی صدر با انجام چند عملیات ناموفق عملاً ابتکار نظامی را به دست نیروهای عراقی داده بود. در این دوران سپاه در حسرت تمام به سر می برد و فاقد امکانات در زمینه ی تجهیزات نظامی بود و البته می بایست با این وضعیت هم جلوی تجاوزات دشمن بایستد و هم تحرکات عناصر ضد انقلاب را در داخل خنثی کند. این دوران را می توان یکی از سخت ترین مراحل جنگ برای نیروی سپاه برشمرد. بنی صدر رئیس جمهور ایران، که فرماندهی کل قوا را نیز بر

^۱ - منوچهر، محمدی، همان کتاب، ص ۱۸۶.

عهده داشت، درگیر جنگ قدرت با سایر احزاب و گروهک های رقیب بود. او حتی در این راه امکاناتی را که به عنوان فرمانده کل قوا در اختیار وی بود، سوء استفاده می کرد.

وجود فرماندهی نالایق همچون بنی صدر در ماه های اول جنگ سبب شد از روحیه ی انقلابی و انگیزه ی الهی نیروهای خودی که می توانست در این برهه از زمان کار ساز باشد، استفاده نشود. وی نه تنها نیروهای انقلابی را منزوی کرد بلکه در به کار گیری ارتش برای متوقف کردن متجاوز نیز ناتوان بود. از مشکلات فرماندهی بنی صدر، عدم توجه به تحرکات دشمن در مرزهای کشور و ایجاد تنش بین نیروهای سپاه و ارتش و تأکید بر روش کلاسیک در ادامه ی جنگ بود.^۱

این تفکر در اداره ی جنگ روحیه و منافع خودی را به شدت تضعیف کرد و به دلیل محدودیت ها در تدارک تجهیزات به خصوص سلاح های سنگین (مثل تانک و ...) ضربات سنگینی به توان رزمی نیروهای نظامی وارد کرد. در طول جنگ بنی صدر اسلحه در اختیار سپاه نمی گذاشت و اگر در ارتش هم به سپاه اسلحه می داد و یا به مقابله با دشمن بر می خاست بنی صدر با او برخورد می کرد. بیشترین ضدیت را در این عرصه با شهید صیاد شیرازی داشت، کسی که به وحدت ارتش و سپاه می اندیشید و دلش برای اسلام و انقلاب می سوخت بنی صدر برای رسیدن به اهداف خود شهید صیاد شیرازی را از فرماندهی عزل کرده و درجه ای او را هم گرفت.^۲

^۱ - مهدی، بهداروند، احمد سوداگر، جنگ از نگاهی دیگر، بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی، بی جا، مؤسسه فرهنگی خادم الرضا، ۱۳۸۰ش، صص ۴۵۶-۴۵۷.

^۲ - مرکز اسناد انقلاب اسلامی، خاطرات شهید امیرسپهبد صیاد شیرازی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۱.

از سوی دیگر یاران امام (ره) و نیروهای خط امام با اعتقاد به بسیج نیروهای مردمی می خواستند جنگ را از حالت جنگ کلاسیک در آورند تا بتوانند با استفاده از توان مردمی که رژیم طاغوت را ساقط و انقلاب را به پیروزی رساند و رژیم متجاوز عراق را بر سر جای خود بنشانند که البته این دیدگاه با عزل بنی صدر به اثبات رسید. نیروهای مسلح که روحیه شان بر اثر جو سازی های بنی صدر و هوا دارانش تضعیف شده بود. آن چنان تقویت یافت که آثار خود را پیروزی های غرور آفرین پس از عزل بنی صدر به نمایش گذاشت.^۱

بنی صدر که با مشاهده ی ناکامی های نظامی وضعیت سیاسی خود را در مخاطره می دید سعی کرد با دامن زدن به مناقضات داخلی به اهدافش دست یابد. تداوم بحران سیاسی در داخل در حالی که جبهه ها وضعیت نامطلوبی داشت سرانجام به درگیری مسلحانه منتهی گردید. با توجه به حوادثی که اتفاق افتاد امام خمینی (ره) بنی صدر را از فرماندهی کل قوا خلع کرد و مجلس شورای اسلامی رأی به عدم کفایت سیاسی وی داد و سرانجام بنی صدر به فرانسه متواری گردید.^۲

پس از عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوای مسلح و تغییر و تحولی که در سیستم فرماندهی ارتش پیش آمد، رزمندگان ارتشی و سپاهی که از آغاز جنگ در کنار یکدیگر جنگیده بودند، وحدت و انسجام بیشتری یافتند. همچنین در صحنه ی عملیاتی، یگان های ارتشی و سپاهی در یکدیگر ادغام گردیده و بسیاری از عملیات ها به صورت مشترک اجرا

^۱ - منوچهر، محمدی، همان کتاب، ص ۱۹۵.

^۲ - محمد، درودیان، سیری در جنگ ایران و عراق (آغاز تا پایان)، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹ش، ص ۴۰.

می گردید. سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی این وحدت و یکپارچگی رزمندگان را که منجر به پیروزی های بزرگ جمهوری اسلامی و آزادی سرزمین های اشغالی و وارد آوردن ضربات مهلت بر دشمن گردید، «ترکیب مقدس» نامید.^۱

جمهوری اسلامی ایران در آن سال ها آمادگی لازم برای درگیر شدن در جنگی کلاسیک، گسترده و همه جانبه را نداشت. از یک طرف در سطح کلان و در سیاست گذاری امنیت ملی و سیاست دفاعی کشور دگرگونی زیادی ایجاد شده و از طرفی دیگر در میان نیروهای مسلح کشور چنان ناهماهنگی و عدم سازماندهی وجود داشت که ناظران خارجی از جمله متخصصات نظامی عراق معتقد بودند که ایران فاقد نیروی دفاعی مؤثر است. از نظر روابط نظامی و تأمین منابع تسلیحاتی نیز ایران تمام روابط نظامی خود را قطع و تمام قراردادهای تسلیحاتی را لغو کرده بود و در مجموع، نیروهای نظامی کشور آمادگی لازم را برای پاسخگویی به تجاوز عراقی نداشتند.^۲ از طرف دیگر درگیری های داخلی و تحركات گروه های ضد انقلاب نیز بسیاری از توان سپاه را صرف خود کرده بود. این نابسامانی ها با حضور بنی صدر به عنوان فرماندهی کل قوا نه تنها مرتفع نمی شد، بلکه دامنه ی آن نیز وسیع می گشت.^۳

^۱ - مسعود، بختیاری، نصرالله، معین وزیری، ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس: نبرد بیت المقدس، ج ۴، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی، ۱۳۷۳ش، ص ۷۷.

^۲ - محمد، کیمیافر، سپاه و جنگ، تهران، نشر آخرین پیام و مجمع فرهنگی شهید بهشتی، ۱۳۸۶ش، ص ۷۷.

^۳ - علیرضا، لطف الله زادگان، هویزه آخرین گام های اشغالگر، ج ۱۱، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۳۶.

کارشکنی های بنی صدر نیز به عنوان رئیس جمهور و فرماندهی کل قوا بسیاری از نیروهای بالقوه ی سپاه را تلف می کرد و در بعضی موارد موجب ایجاد خسارت به آن می شد.^۱

سیاست های غلط و خائنانه ی بنی صدر و تحریم جهانی تسلیحاتی ایران وضع دشواری را در جبهه های جنگ به وجود آورده بود. بنی صدر با انجام چند عملیات ناموفق عملاً ابتکار نظامی را به دست نیروهای عراقی داده بود. در این دوره سپاه در حسرت تمام به سر می برد و فاقد امکانات در زمینه ی تجهیزات نظامی بود.

۶- عملیات های بنی صدر

در ماه های اول جنگ که فرماندهی کل قوا به عهده ی بنی صدر بود، چند عملیات برای آزاد سازی مناطق اشغال و عقب راندن دشمن با محوریت ارتش طراحی و اجرا شد.

- عملیات درفول

با توجه به فشار افکار عمومی و نیز تصمیم مسئولان جهت عقب راندن دشمن، نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی به منظور کاهش تهدید دشمن برای عبور از رودخانه ی کرخه و جلوگیری از تصرف دزفول و اندیمشک، تقدم عملیات را در این جبهه قرار داد و اجرای عملیات به نیروهای لشکر ۲۱ زرهی حمزه واگذار شد برای آمادگی صحنه ی جنگ اقداماتی صورت گرفت. اما با توجه به آمادگی پدافندی کامل دشمن که از اجرای

^۱ - محمد کیمیاfer، همان کتاب، ص ۸۲.

عملیات با خیر شده بود، یگان های خودی در محاصره ی دشمن قرار گرفتند.^۱

به طور کلی ضعف در طراحی و برآورد توان نیروها و نداشتن شناسایی کافی از زمین دشمن به ناکامی عملیات انجامید. در این عملیات برای شکستن خط مقدم دشمن، تدابیر لازم اندیشیده نشد، مانور تانک های فردی بدون حمایت پیاده اجرا می شد و حرکت نیروهای زرهی از جاده ای که در دید و تیر مستقیم دشمن قرار داشت صورت گرفت. در نتیجه واحدهای زرهی قبل از رسیدن به خط دشمن و شروع درگیری نزدیک منهدم شد و عملیات متوقف گردید.^۲

پس از شکست در این عملیات که با تلفات زیاد لشگر ۲۱ حمزه و خسارات بسیار به گردان سوار زرهی همراه بود و باعث ضعف روحیه ی نیروهای خود گردید.^۳

– عملیات جاده ی ماهشهر (۵۹/۸/۳)

این عملیات دومین عملیات کلاسیک گسترده ی ارتش بود که در دوره ی بنی صدر اجرا گردید، پس از اشغال خرمشهر توسط متجاوزین نیروهای ارتش برای شکستن حصر آبادان، اقدام به اجرای عملیاتی در تاریخ ۵۹/۸/۳ در این منطقه کردند. ولی با توجه به ضعف توان رزمی نبودن اطلاعات کافی و حتی اطلاعات غلط و نادرست این عملیات با شکست مواجه گردید. شکست در این عملیات علاوه بر تضعیف روحیه ی خودی و از دست دادن

^۱ - محمد، جوادی پور، علی، نیکفر، سید یعقوب، حسینی، ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس، ج ۱، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی آجا، ۱۳۷۳ش، صص ۱۲۸-۱۳۸.

^۲ - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس جنگ ایران و عراق، فشرده ی نبردهای زمینی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹ش، ص ۳۱.

^۳ - محمد، درودیان، همان کتاب، ص ۳۸.

تجهیزات، توان رزمی ارتش را برای اجرای عملیات های آتی کاهش داد.^۱

– عملیات نصر (هویزه)، (۵۹/۱۰/۱۵)

فرمانده عملیات با ستاد مشترک ارتش بود و طرح ریزی عملیات به وسیله ی ستاد مشترک انجام شده است. عملیات در ۱۵ دی ۱۳۵۹ در منطقه ی عمومی سوسنگرد آغاز گردید. برای این عملیات ۲ تیپ از لشگر ۱۶ قزوین و یک تیپ از لشگر ۹۲ اهواز در نظر گرفته شد.^۲

روز اول نبرد با پیشروی نیروهای خودی و انهدام دو تیپ زرهی عراق همراه بود اما نیروهای خودی اقدامات تأمینی ضروری را صورت ندادند و برای تحکیم و تثبیت مواضع به دست آمده اقدامات مهندسی لازم را به مورد اجرا در نیاوردند حتی تجهیزات به دست آمده از دشمن در دشت باقی ماند. در چنین شرایطی مرحله ی اول جنگ با پیروزی به پایان رسید.^۳

مرحله ی دوم عملیات در ساعت ۸ صبح ۱۶ دی ماه، نیروهای زرهی و پیاده شروع به پیشروی کردند.^۴ اما با ورود نیروهای زرهی عراق درگیر شدند و بزرگترین نبرد تانک پس از سال ۱۳۵۱ آغاز شد. نیروهای خودی بر اثر فشار دشمن قادر به حفظ مناطق آزاد شده، نگردید و عقب نشینی کردند، اما با عقب نشینی بدون برنامه، غنایم به دست آمده جا مانده دوباره به دست دشمن افتاد و هویزه نیز سقوط کرد و به اشغال دشمن درآمد. این

^۱ – همان.

^۲ – علیرضا، لطف الله زادگان، همان کتاب، ص ۵۵۵.

^۳ – همان، ص ۵۵۹.

^۴ – همان، ص ۵۶۴.

آخرین گام های ارتش متجاوز در خاک جمهوری اسلامی بود. در این عملیات به دلیل شهادت تعداد بسیاری از دانشجویان پیرو خط امام که پس از تحویل گروگان های آمریکایی عازم جبهه ها شده بودند. انعکاس نسبتاً وسیعی در داخل و خارج از کشور داشت.^۱ از دلایل شکست در این عملیات ناهماهنگی در محور های مختلف، عدم پیش بینی های لازم برای تأمین منطقه و عدم تحکیم مواضع به دست آمده بود.

– عملیات توکل (۵۹/۱۰/۲۰)

یکی از عملیات های مهم در منطقه شرق کارون از نظر حجم کاربرد نیرو و وسعت منطقه ی عملیات، عملیات توکل بود که طراحی و اجرای آن را ارتش جمهوری اسلامی ایران بر عهده داشت.

عملیات در روز بیستم دی ۱۳۵۹ آغاز شد و تا قبل از ظهر همان روز به علت نداشتن توان زرهی لازم نیروهای خودی و طراحی نادرست عملیات با تحمل تلفات سنگین به پایان رسید.^۲ این عملیات آخرین عملیات کلاسیک گسترده محسوب می شود و پس از آن تا تغییر استراتژی جنگ و عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا عملیات بزرگی اجرا نگردید و نیروهای طرفین به تحکیم مواضع و اجرای تک های محدود پرداختند این مرحله از جنگ حدود هشت ماه طول کشید.

به طور کل عملیات های کلاسیک یاد شده که در دوره ی بنی صدر و با محوریت ارتش و تفکر اساسی تکیه بر مانور زرهی با استفاده از تانک و نفر بر انجام گرفت با

^۱ – محمد درودیان، همان کتاب، ص ۸.

^۲ – همان، صص ۱۲۵، ۱۲۷.

شکست مواجه گردید و جز ائتلاف توقت و نابودی امکانات موجود نتیجه ای نداشت. پس از آن استراتژی جنگ تغییر اساسی یافت و استفاده از تانک نفر بر منسوخ گردید و از آنها تنها به عنوان پشتیبانی نیروهای پیاده یا توپخانه استفاده گردید.^۱

یکی از رخدادهایی که در فرماندهی جنگ و سرنوشت کلی آن تأثیر گذار بود، خلغ بنی صدر، رئیس جمهور اسلامی ایران بود. پس از خلغ بنی صدر از فرماندهی کل قوای مسلح و تغییر و تحولی که در سیستم فرماندهی ارتش پیش آمده رزمندگان ارتشی و سپاهی که از آغاز جنگ در کنار یکدیگر جنگیده بودند وحدت و انسجام بیشتری یافتند همچنین در صحنه ی عملیاتی یگان های ارتشی و سپاهی در یکدیگر ادغام گردیده و بسیاری از عملیات ها به صورت مشترک اجرا گردید. سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی این وحدت و یکپارچگی رزمندگان را که منجر به پیروزی های بزرگ جمهوری اسلامی و آزادی سرزمین های اشغالی و وارد آوردن ضربات مهلک بر دشمن گردید ترکیب مقدس نامید.^۲

۷- پیامدهای عزل بنی صدر

عزل بنی صدر از ریاست جمهوری دارای پیامدهای مثبت و منفی در فضای سیاسی و اجتماعی ایران بود. عزل اولین رئیس جمهور ایران از لحاظ بازتاب داخلی و خارجی نشان دهنده ی اختلاف بین نیروهای انقلاب بود و موجب سوء استفاده ی عناصر ضد انقلاب داخلی و خارجی قرار گرفت تا به تبلیغات علیه جمهوری اسلامی بپردازند و این

^۱ - همان ، ص ۳۹

^۲ - مسعود، بختیاری، نصرت الله، معین وزیری، همان کتاب، ص ۷۷.

عزل را به مثابه یک خودتاقلمداد کنند.

پیامدهای منفی دیگر از دست دادن بسیاری از نیروهای ارزنده و وفادار به انقلاب بود که می توانستند منشأ خدمات ارزنده ای برای انقلاب باشند. در پی اعلام ورود سازمان مجاهدین خلق به فاز نظامی پس از عزل بنی صدر، موجی از ترور بر جامعه ی ایران سایه افکند ششم تیر جواد قدیری، در مسجد اباذر اقدام به ترور آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) نمود که ناکام ماند و ایشان پس از جراحات شدیدی بهبود یافت. اما روز بعد دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی دو سر چشمه ی تهران توسط عامل نفوذی مجاهدین خلق، محمد رضا کلاهی منفجرشد و آیت بهشتی، دبیر کل حزب و ۷۲ تن از نیروهای برجسته ی خط انقلاب که ۲۷ نماینده ی مجلس و ۴ وزیر و تعدادی از اعضای حزب را شامل می شد به شهادت رسیدند.^۱

ترور شخصیت های دیگری چون محمد علی رجائی، رئیس جمهور و مجمد جواد باهنر، نخست وزیر در هشتم شهریور ۱۳۶۰ و تعدادی از مردم بی گناه تا مدت ها پس از عزل بنی صدر ادامه یافت اما عزل بنی صدر پیامدهای مثبت نیز در پی داشت که از آن جمله پیروزی کامل خط امام بود بعد از سقوط بنی صدر، نیروهای خط امام در صدر امور سیاسی جامعه قرار گرفتند.

از دیگر پیامدهای مثبت سقوط بنی صدر، نابودی و اضمحلال کامل گروه های سیاسی ضد انقلاب بود که زیر چتر حمایت رئیس جمهور جمع شده بودند.^۲

در مجموع عملکرد سیاسی بنی صدر در دوران ریاست جمهوری، نشان می دهد وی

^۱ - حسین کاوشی، همان کتاب، ص ۱۸۱.

^۲ - علی، کردی، همان کتاب، صص ۲۱۰-۲۱۳.

یک جریان انحرافی در درون نظام جمهوری اسلامی بود که با انقلاب اسلامی و نیروهای وفادار به آن به لحاظ تفکر و عمل همسوئی نداشت. در پی اقدامات وی که موجب تنش و اختلاف در نظام جمهوری اسلامی شد، اما پس از بی نتیجه دیدن نصایح و راهنمایی های خود، بنی صدر را از ریاست جمهوری عزل کرد و اولین رئیس جمهور ایران پس از یک دوره بحران آفرینی به خارج از کشور فراری شد.

نتیجه‌گیری

زندگی بنی صدر از آن روزی که به عنوان معتمد مردم مسلمان ایران در اوج قدرت قرار گرفت تا آنجا که به عنوان مطرود خدا و خلق خدا راه خیانت پیشه کرد و در یکی از محلات حومه پاریس به بوته فراموشی سپرد شد، می‌توان درس‌های فراوانی برای فعالان سیاسی در پی داشته باشد. چرا که ماجرای بنی صدر حکایت پیشرفت در همه امور قبل از پیشرفت در انسانیت است.

بنی صدر اگر چه در ظاهر همراه امام و خط ایشان حرکت می‌کرد ولی در باطن با منافقین و دشمنان کشور همراه بود که باعث خسارت‌های جبران‌ناپذیر مالی و جانی شد. بنی صدر برای رسیدن به قدرت بسیار کوشید و در عرصه مختلف فرهنگی و سیاسی اقداماتی انجام داد که به واسطه این فعالیت‌ها خسارت‌های بسیاری در ایران بر جای گذاشت.

بنی صدر در طول ریاست جمهوری و فرماندهی خود مرتکب تخلفات بسیاری گردید که به عنوان آفتی در راه تحکیم انقلاب اسلامی بود.

او در جنگ تحمیلی با روش کلاسیک خود موجب از دست دادن بسیاری از نیروهای ارزنده و وفادار به انقلاب بود که می‌توانستند منشا خدمات ارزنده‌ای برای انقلاب باشند و بعد از آن «موجی از ترور به جامعه ایران سایه افکند مانند؛ ترور ششم تیر، ترور آیه الله بهشتی دبیر کل حزب و ۷۲ تن از نیروهای برجسته انقلاب که ۲۷ نماینده

مجلس و ۴ وزیر و تعدادی از اعضای حزب را شامل می شود به شهادت برسند.

پیشنهادات

آنچه هنوز خلا آن در این تحقیق به چشم می خورد:

۱- دیدگاه های بنی صدر در باب ولایت فقیه

۲- بررسی تطبیقی اندیشه های بنی صدر با دیگر نظر پردازان

فهرست منابع

- ۱- ابتکار، معصومه، تسخیر اولین روایت مکتوب از درون سفارت تسخیر شده ی آمریکا در تهران، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۹ش.
- ۲- اتحادیه ی انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا، مصدق و نهضت ملی ایران، بی جا، بی نا، ۱۳۵۷ش.
- ۳- احمدی، مجید، درس تجربه (خاطرات ابوالحسن بنی صدر)، برلین، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- ۴- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی - محمدابراهیم فتاحی، چاپ سیزدهم، نشر نی، ۱۳۸۷ش.
- ۵- آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری، بایگانی نخست وزیر، پرونده شماره ی ۴۸۴۷۹.
- ۶- بازرگان، مهدی، شصت سال خدمت و مقاومت، ج ۱، تهران، مؤسسه ی خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵ش.
- ۷- باقرنژاد، مجتبی، تاریخچه مبارزات اسلامی دانشجویان ایرانی خارج از کشور (۱۳۴۴-۱۳۶۰)، ج ۱، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۶ش.
- ۸- بختیاری، مسعود، معین وزیری، نصرالله، ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس: نبرد بیت المقدس، ج ۴، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش

جمهوری اسلامی، ۱۳۷۳ش، ص ۷۷.

۹- بکویت، چارلی، مجله ی سروش (حادثه ی طبس)، تهران، دفتر انتشارات اسلامی،

شماره ی ۱۵۵، مرداد ۱۳۶۱ش.

۱۰- بنی صدر، ابوالحسن، روزها بر رئیس جمهور چگونه می گذرد؟، ج ۱، تهران،

انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹ش.

۱۱- بهروز، مازیار، در شورشیان آرمانخوا، ترجمه: مهدی پرتوی. چاپ اول، تهران،

ققنوس، ۱۳۸۰ش.

۱۲- بهزاد، حسین، بابایی، گلعلی، همپای صاعقد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه

ی هنری، ۱۳۷۹ش.

۱۳- بهگ روند، مهدی، سوداگر، احمد، جنگ از نگاهی دیگر، نیروی تحولات سیاسی

و اجتماعی، بی جا، مؤسسه فرهنگی خادم الرضا، ۱۳۸۰ش.

۱۴- پژواک، خلیل، روزنامه ی اطلاعات، تهران، ، ۵۸/۹/۱۷.

۱۵- جوادی پور، محمد، نیکفر، علی، حسینی، سید یعقوب، ارتش جمهوری اسلامی در

هشت سال دفاع مقدس، ج ۱، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی آجا، ۱۳۷۳ش.

۱۶- حاتمی، محمدرضا، مجله ی گزارش تاریخ فصلنامه ی پژوهش های سیاسی

«ابوالحسین بنی صدر به روایت اسناد ساواک»، تهران، ۱۳۹۱ش، شماره ی ۱۲۹.

۱۷- حیدریان، فاطمه، بن بست غرور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ش.

۱۸- خاطرات سیاسی و اجتماعی دکتر صادق طباطبایی، ج ۱، تهران، مؤسسه چاپ و

نشر عروج، ۱۳۸۷ش.

- ۱۹- خزایی، احمد، آرشیو اسناد مؤسسه ی مطالعات و پژوهش های سیاسی «پرونده بنی صدر»، تهران، ۱۳۹۲ ش.
- ۲۰- خواجه سروی، غلامرضا، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
- ۲۱- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۹، تهران، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۷ ش.
- ۲۲- درودیان، محمد، سیری در جنگ ایران و عراق (آغاز تا پایان)، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹ ش.
- ۲۳- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- ۲۴- راعی گلوچه، سجاد، زندگی نامه سیاسی شهید رجائی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
- ۲۵- رضائی، محسن، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، ج ۲، چاپ دوم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه کتاب جنگ، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۶- رضوی، مسعود، هاشمی و انقلاب، تهران، انتشارات همشهری، ۱۳۷۶ ش.
- ۲۷- رضوی، مسعود، هاشمی و انقلاب، تهران، انتشارات همشهری، ۱۳۷۶ ش.
- ۲۸- رمضان، روح الله، چارپویی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه ی علیرضا طیب، تهران، نشرنی، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۹- زعیم با همکاری علی اردکان، کورش، جبهه ملی ایران از پیدایش تا کودتای ۲۸

مرداد، توسیرکان، تهران، نشر ایرانمهر، ۱۳۷۷ش.

۳۰- سایت آرشیو اسناد سازمان ملی ایران، سند شماره ی ۲۹۰-۸/۱۲۲/۱ و ۲۹۰-

<http://www.nlai.ir> ۸/۱۳۶/۷

۳۱- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گذری بر دو سال جنگ(هفته سیاسی سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی)، بی جا، بی تا.

۳۲- سفیری، مسعود، حقیقت ها و مصلحت ها، مصاحبه با هاشمی رفسنجانی، تهران،

نشرنی، ۱۳۷۸ش.

۳۳- شادلو، عباس، انقلاب اسلامی از پیروزی تا تحکیم، ناگفته های تاریخی از

دولت موقت و شورای انقلاب تا سقوط بنی صدر ۱۳۶۰-۱۳۵۷، تهران، مؤلف،

۱۳۸۵ش.

۳۴- شاه علی، احمدرضا، انقلاب دوم (تسخیر لانه ی جاسوسی آمریکا، آثار و

پیامدها)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ش.

۳۵- شریعتمداری، حسین، روزنامه کیهان، تهران، ۱۳۵۸/۱۰/۹.

۳۶- شیفته، نصر الله، زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر محمد مصدق، تهران، نشر

کومش، ۱۳۷۶ش.

۳۷- صابری، کیومرث، چگونگی انتخاب اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران

و مکاتبات رجائی با بنی صدر، چاپ دوم، تهران، روابط عمومی نخست

وزیری، ۱۳۶۰ش.

۳۸- صادقی، سید مصطفی، خاطرات آیت الله صابری همدانی، تدوین تهران، مرکز

انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴ش.

۳۹- صالح، سید محسن، یاران آفتاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ش.

۴۰- صفری، محمد علی، قلم و سیاست، ج ۲، تهران، نشر نامک، ۱۳۸۰ش.

۴۱- صمدی پور، سعید، جبهه ی ملی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

۱۳۸۸ش.

۴۲- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران جلسه ی دوم، تهران، اداره ی کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس

شورای اسلامی، ۱۳۶۴ش.

۴۳- طاقتی احسن، نصرت ا...، روزنامه ی مبارز همدان، همدان، ش ۸، ۱۳۳۰/۱۰/۲۲.

۴۴- طبس، مصداقی بر سوره ی فیل (نگرشی بر ماجرای طبس)، ترجمه و تنظیم

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، تهران، مرکز نشر اسناد لانه ی جاسوسی،

۱۳۷۰ش.

۴۵- عمید، محمد جواد، کشاورزی، فقر و اصلاحات ارضی در ایران، ترجمه سید

رامین نژاد، تهران، نشرنی، ۱۳۸۱ش.

۴۶- غلامی، فتاح، «اولین تجربه ی دموکراسی در جمهوری اسلامی، بررسی پدیده ی

درس آموز بنی صدر»، سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۷۸/۴/۱ش،

.WWW.Tabnak.ir

۴۷- فخر زاده، سعید، خاطرات علی جنتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

۱۳۸۱ش

۴۸- فوزی، یحیی، تحولات سیاسی-اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، ج ۱،

تهران، نشر عروج، ۱۳۸۷ش.

۴۹- قربانی، امیر، کودتای نوژه، تهران، مؤسسه ی مطالعات و پژوهش های سیاسی،

۱۳۶۸ش.

۵۰- قلفی، محمدوحید، مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران، تهران، مؤسسه ی

چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۹ش.

۵۱- کاوشی، حسین، حزب جمهوری اسلامی از تاسیس تا فاجعه هفت تیر، ج ۱،

تهران، دفاع، ۱۳۸۶ش.

۵۲- کریمیان، علیرضا، جنبش دانشجویی در ایران از تاسیس دانشگاه تا پیروزی انقلاب

اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱ش.

۵۳- کیمیافر، محمد، سپاه و جنگ، تهران، نشر آخرین پیام و مجمع فرهنگی شهید

بهشتی، ۱۳۸۶ش.

۵۴- لطف الله زادگان، علیرضا، هوپزه آخرین گام های اشغالگر، ج ۱۱، تهران، مرکز

مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ش.

۵۵- متینی، جلال، نگاهی به کارنامه سیاسی دکتر محمد مصدق، چاپ اول، لس

آنجلس، کتاب، ۱۳۸۴ش.

۵۶- محمدی ری شهری، محمد، خاطره ها، ج ۱، چاپ دوم، تهران، تألیف انتشارات

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ش.

۵۷- محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی زمینه ها و پیامدها، تهران، نشر معارف،

۱۳۸۰ش.

۵۸- مرتجی، حجت، جناح های سیاسی در ایران امروز، تهران، انتشارات نقش و نگار

و شفيعی، ۱۳۷۷ش.

۵۹- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، خاطرات شهید امیرسپهبد صیاد شیرازی، تهران، مرکز

اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ش.

۶۰- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، جبهه ملی به روایت اسناد ساواک،

تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹ش.

۶۱- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس جنگ ایران و عراق، فشرده ی نبردهای

زمینی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹ش.

۶۲- مسعودی، عباس، روزنامه انقلاب اسلامی، تهران، موسسه اطلاعات، ۵۸/۹/۲۹.

۶۳- مظفر، محمدجواد، اولین رئیس جمهور (پنج گفتگو درباره ی اولین انتخابات

ریاست جمهوری ایران)، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۸ش.

۶۴- ملکی، علی، خاطرات حجت الاسلام محتشمی پور، تهران، دفتر ادبیات انقلاب

اسلامی، ۱۳۷۶ش.

۶۵- ملکی، علی، خاطرات حجت الاسلام والمسلمین محمد سهامی، تهران، مرکز

اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴ش.

۶۶- ملکی، علی، خاطرات هادی غفاری، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی،

۱۳۷۴ش.

۶۷- موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، سیر مبارزات امام خمینی (ره) در

اینه ی اسناد به روایت اسناد ساواک، ج ۱۲، تهران، موسسه ی تنظیم و نشر آثار

امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶ش.

۶۸- موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه ی امام، ج ۹، تهران، موسسه تنظیم و نشر

آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹ش.

۶۹- موسوی، علی، کودتا و ضد کودتا، تهران، دفتر نشر هماهنگی اسلامی، ۱۳۶۳ش.

۷۰- موسوی اردبیلی و جمعی از محققین، سید عبدالکریم، غائله ی چهاردهم اسفند ۱۳۵۹

ظهور و سقوط انقلاب، تهران، دادگستری جمهوری انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴ش.

۷۱- مهاجری، مسیح، روزنامه ی جمهوری اسلامی، تهران، موسسه فرهنگی و

مطبوعاتی روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۵/۴.

۷۲- مؤمن، ابوالفتح، انقلاب اسلامی در همدان، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب

اسلامی، ۱۳۸۶ش.

۷۳- نظری کهره، فاطمه، از ظهور تا سقوط بنی صدر، تهران مؤسسه فرهنگی هنری و

انتشارات مرکز استاد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱ش.

۷۴- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سرنوشت یاران دکتر مصدق، تهران، نشر علمی،

۱۳۸۳ش.

۷۵- هوگلاند، اریک ج، زمین و انقلاب در ایران، مترجم: فیروزه مهاجر، تهران، نشر

شیرازه، ۱۳۸۱ش.